

Provide a Cultural Model for Increasing Fertility Based on Religious Teachings

*Esmail Cheraghi Koutiani**

Ph.D of Sociology and high level lecturer of Qom seminary

Email: esmaeel.cheraghi@gmail.com

Abstract

Population growth in the country has been declining in recent years and forecasts show that in the not too distant future, Iran will face the phenomenon of aging and a little further away with a further decline in population growth and population decline. This in itself can have many negative consequences for the country. To prevent these harmful consequences, it is necessary for social policy makers to implement appropriate programs to get out of this harmful situation in order to maintain the reliability and dynamism of the population. This article believes that the way out of this situation is to revive the Islamic-Iranian way of life based on the principles and values of religion and indigenous culture. Therefore, it has tried to provide a cultural model for increasing fertility, based on religious thought. The finding suggests that a religious model at three levels of beliefs, values and norms by shaping behaviors, can help increase fertility. The research method is descriptive and analytical in the data collection stage and descriptive and analytical in the processing stage.

Keywords: pattern, culture, population, fertility, values, norms.

*. Date of Reception: 2021/06/12 , Date of Acceptation: 2021/09/02

ارائه الگوی فرهنگی افزایش باروری

مبتنی بر آموزه‌های دینی

اسماعیل چراغی کوتیانی*

دکتری جامعه‌شناسی و مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم

Email: esmaeel.cheraghi@gmail.com

چکیده

رشد جمعیتی در کشور در سال‌های اخیر، سیر نزولی داشته و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد ایران در آینده‌ای نه‌چندان دور با پدیده سالمندی و قدری دورتر، با کاهش بیشتر رشد جمعیت و نیز کاهش جمعیت روبه‌رو خواهد بود. این خود می‌تواند پیامدهای منفی زیادی را برای کشور به بار آورد. برای جلوگیری از این پیامدهای آسیب‌زا لازم است سیاست‌گذاران اجتماعی، به اجرای برنامه‌هایی مناسب برای خروج از این وضعیت آسیب‌زا با هدف حفظ پایایی و پویایی جمعیت، همت گمارند. این نوشتار بر این باور است که مسیر برون‌رفت از این وضعیت، احیا سبک زندگی اسلامی - ایرانی با تکیه بر مبانی و ارزش‌های دینی و فرهنگ بومی است؛ از این‌رو، کوشیده است تا به ارائه الگویی فرهنگی برای افزایش باروری، مبتنی بر اندیشه دینی بپردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که الگوی دینی در سه سطح باورها، ارزش‌ها و هنجارها با شکل‌دهی به رفتارها، می‌تواند به افزایش باروری یاری رساند. روش پژوهش در مرحله گردآوری داده‌ها، اسنادی و کتابخانه‌های و در مرحله پردازش، توصیفی و تحلیلی است.

کلیدواژه: الگو، فرهنگ، جمعیت، باروری، ارزش، هنجارها.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

مقدمه

مسیر تغییرات رشد جمعیتی در کشور در سال‌های اخیر سیر نزولی داشته و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد ایران در آینده‌ای نه‌چندان دور با پدیده سالمندی و قدری دورتر با کاهش بیشتر رشد جمعیت و نیز کاهش جمعیت روبه‌رو خواهد بود. این خود می‌تواند پیامدهای منفی زیادی را برای کشور به بار آورد.

طی سه دهه اخیر باروری در ایران به طرز شگفت‌انگیز کاهش پیدا کرده است. این وضعیت موجب شد تا ایران طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶، وارد گروه کشورهایی شود که باروری سطح یا زیر سطح جایگزینی داشته‌اند (حسینی و همکار، ش ۲، ص ۵۶). روند رشد جمعیت ایران از دهه‌های پیشین تاکنون نشان می‌دهد متوسط میزان رشد سالانه جمعیت در دهه ۱۳۴۵-۱۳۳۵ برابر با ۳/۱ درصد بوده است. این در حالی است که در دهه پس‌از آن یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۴۵ این رشد کاهش یافته و مقدار آن به ۲/۷۱ درصد رسیده است. در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ به جهت وضعیت خاص کشور از جهت تحولات سیاسی-اجتماعی، رشد جمعیت به رقم بی‌سابقه ۳/۹ درصد در سال افزایش یافت. در دهه دوم انقلاب، اما موفقیت‌های چشمگیر برنامه‌های تنظیم در کشور باعث شد تا نرخ رشد از ۳/۹ درصد در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ به ۱/۹۶ درصد در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ و پس‌از آن به ۱/۶۱ درصد در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ و به رقمی در حدود ۱/۳ در سال ۱۳۹۰، کاهش یابد (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور-۱۳۹۰، ص ۱۰۰)؛ و در سال ۱۳۹۸ نیز این میزان به کمتر از ۱ درصد و در سال ۱۳۹۹ به شش‌دهم درصد رسیده است (اکبری در مصاحبه با خبرگزاری تسنیم <https://www.tasnimnews.com>). تجزیه و تحلیل‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد ایران پس از تجربه کاهش باروری، وارد مرحله جدیدی از تغییرات جمعیتی شده است. مشخصه اصلی این دوره، کاهش مداوم باروری کمتر از حد جانشینی و سپس منفی شدن رشد سالانه جمعیت است که به مسائل مهم جمعیتی تبدیل خواهند شد.

هرچند آنچه زمینه‌ساز وضعیت کنونی باروری خانواده ایرانی شده، محصول دگرگونی در ساحت‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیاری است، اما باین‌همه، نقش تغییرات ارزشی و نگرشی متأثر از ظهور خردگرایی نوین در ساختار فرهنگی جامعه بیش از ساختارهای دیگر است. کنش انسان‌ها متأثر از خردورزی آن‌هاست و نظام‌های معنایی متفاوت، از خرده‌های متفاوتی برخوردارند. هر عنصر فرهنگی در نظام معنایی جامعه در آغاز مورد پذیرش خرد جامعه و بعد مورد اقبال اجتماعی قرار می‌گیرد. به همین جهت، عناصر واپس‌مانده از جهان سنت کمتر قدرت تداوم در جهان مدرن را خواهند داشت. با تغییر جهان معنایی عناصر پیشین - به جهت غیر کارکردی شدن - یا کنار گذاشته می‌شوند و یا این‌که در انزوا قرار گرفته و در موارد بسیار برای مصرف‌کنندگان، فشار اجتماعی به همراه خواهند آورد.

پس از پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوره سازندگی با محوریت توسعه برون‌زا، نظام معنایی و خردورزی جدیدی

مبتنی بر ارزش‌ها و نگرش‌های جهان مدرن در جامعه ایرانی گسترش یافت که متفاوت از نظام معنایی پیشین (مبتنی بر عناصر سنتی و دینی) بود. نظام معنایی نوین هرچند به صورت کلی عناصر سنتی و دینی را محو نکرد اما با گفتمان سازی توانست بخشی از عناصر برجای مانده از سنت را به حاشیه براند. یکی از این عناصر مهم دنیای سنت، زادآوری زیاد بود. بدون شک، زادآوری زیاد و شکل‌گیری خانواده پرجمعیت در نظام معنایی و خرد مبتنی بر لذت‌گرایی، فردگرایی، حق تسلط بر بدن، استقلال مالی و تحرک اجتماعی زنان، تساوی و تشابه نقش‌ها، نادیده گرفتن سلسله‌مراتب خانوادگی، تقدم و اولویت دادن ارزش‌های غیر خانوادگی بر ارزش‌های خانوادگی... امکان تحقق نخواهد داشت.

به‌هرروی، پرسش اساسی این است که آیا می‌توان از وضعیت مسئله‌مند موجود که پیامد کاهش باروری است گذر کرد و به وضعیت مطلوب یعنی رسیدن باروری به میزانی بیش از سطح جانشینی (۲/۱) رسید؟ آیا می‌توان روند کنونی کاهش باروری (و در پی آن کاهش رشد جمعیت) را با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دگرگون کرده و آن را به وضعیتی مطلوب که مبتنی بر تعادل پویای جمعیتی است، تبدیل کرد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه الگویی برای گذار از این چالش می‌توان عرضه نمود؟ پاسخ این نوشتار به این پرسش‌ها مثبت است؛ از این‌رو، خواهد کوشید تا با ارائه الگویی مبتنی بر آموزه‌های دینی، به سیاست‌گذاران اجتماعی به افزایش باروری تا حد جانشینی باری رساند. روش پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، در مرحله گردآوری داده‌ها، اسنادی و کتابخانه‌های و در مرحله پردازش اطلاعات، توصیفی و تحلیلی است. در خصوص سابقه پژوهش در این موضوع نیز با واکاوی آثار و اسناد نگاشته شده در خصوص جمعیت و باروری و پایگاه‌های علمی در اینترنت، به هیچ اثری که به بیان الگوی افزایش پرداخته باشد، مشاهده نشد. بیشتر آثار در خصوص علل کاهش باروری در ساحت‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و نیز پیامدهای کاهش باروری در این عرصه‌ها بود. علت فقدان اثر هم شاید بدین جهت باشد که ادبیات نظری ما در خصوص جمعیت هنوز در مرحله تحلیل وضعیت کاهشی و بیان چرایی آن است و مطالعه قابل‌توجهی در خصوص راهکارهای افزایش، آن‌هم مبتنی بر الگوی دینی ارائه نشده است.

ضرورت الگو

بدون تردید به دلیل دیرپایی مقوله‌های فرهنگی، دگرگونی عناصر فرهنگی تثبیت شده، امر آسان و سهل‌الوصول نخواهد بود. رفتارهای خو گرفته جامعه را نمی‌توان به مدد برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و تحکم‌آمیز، به آسانی تغییر داد. عناصر فرهنگی همان‌گونه که تثبیتشان زمان‌بر است، تغییرشان به مراتب طولانی‌تر است. با عطف توجه به این مسئله، باید بر این نکته تأکید کرد که کاهش باروری خانواده ایرانی در دهه‌های اخیر، پیش از این‌که پیامد سیاست‌های کنترل جمعیت و یا به‌کارگیری سازوکار محدودیت‌های اقتصادی و معیشتی باشد، بیشتر تأثیر پذیرفته از اجرای الگوهای نوسازی غربی در ساحت‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و به‌ویژه فرهنگی است. وقتی فرهنگی بودن این پدیده مورد پذیرش قرار گیرد باید دگرگونی آن نیز در مختصات تغییرات فرهنگی زمان‌بر فهم شود.

بر این اساس، باید پذیرفت که بازگشت‌پذیری وضعیت کنونی نه نیازمند به اصلاحات تک‌ساحتی، مقطعی و کوتاه‌مدت که وابسته به سامان‌دهی ساختارهای شالوده‌ای و تحولات گفتمانی است.

زادآوری زیاد نیازمند شرایط، نظام معنایی و خردورزی خاص خود است. زادآوری زیاد در نظام معنایی امکان تحقق دارد که ارزش‌ها و هنجارهایی چون عفاف، کفاف، قناعت، تمایز نقش‌های جنسیتی، خانواده‌گرایی، بردباری و سازش، نظارت اجتماعی و... در آن مورد اقبال و عمل قرار گرفته باشد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۸۶). به‌هرروی، هر نوع الگویی که بخواهد زادآوری زیاد و ظهور خانواده پر فرزند را بدون توجه به شکستن اقتدار نظام معنایی مدرن و دگرگونی گفتمان فردگرایانه مبتنی بر توسعه برون‌زا، ترویج دهد؛ نباید انتظار توفیق داشته باشد؛ زیرا غفلت از واقعیت‌های اجتماعی، زمینه‌ساز شکست طرح‌ها و سیاست‌ها و به‌نوعی بنیان‌نهاده بنا بر مبنایی متزلزل است؛ ازاین‌رو، بر اساس یک مهندسی معکوس و با تکیه بر ابعاد فرهنگی سازوار با بافت و شرایط فرهنگی و دینی جامعه ایرانی باید الگویی را ارائه داد که ضمن انطباق‌پذیری با مقتضیات زمان، توان از میدان به در کردن گفتمان رقیب را نیز داشته باشد. این امر با اتخاذ رویکرد انتقادی نسبت به الگوهای نوسازی غربی و تلاش برای عرضه گفتمانی نوین برای توسعه درون‌زا و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و بافت فرهنگی ایران، امکان تحقق دارد. جمعیت، مسئله‌ای جدای از ساحت‌های دیگر زندگی اجتماعی نیست؛ ازاین‌رو، در ارائه الگو نیز نمی‌توان صرفاً به مسئله جمعیت نظر داشت و از عرصه‌های دیگر زندگی غفلت کرد. همه بخش‌های زندگی اجتماعی از هم متأثر بوده و بر هم تأثیر می‌گذارند؛ ازاین‌رو، ارائه هرگونه الگو کامل در هر بخشی نمی‌تواند بدون توجه به بخش‌های دیگر به‌درستی ارائه شود.

وجود الگو می‌تواند به‌عنوان نقشه راه حرکت منطقی و هدفمند نظام در مسئله جمعیت بوده و از ورود عناصر آسیب‌رسانی چون اتخاذ تصمیمات بی‌هدف، اعمال سلیقه‌های فردی، گروهی و سیاسی در خصوص مسئله جمعیت جلوگیری کند. ضرورت این امر زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات نامتوازن و گاه متناقض دولت‌ها، هزینه بسیار سنگینی برای نظام و مردم به وجود آورده است؛ ازاین‌رو، الگو می‌تواند، هماهنگ‌کننده نظام تصمیم‌گیری و مدیریتی کشور باشد. البته ذکر این نکته شایان بیان است که الگو زمانی می‌تواند کارکرد هدایت‌گری و انسجام‌بخشی خود را به‌خوبی ایفا کند که از یک‌سو بر مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی اسلام بنا و از سوی دیگر، صورت‌بندی شده بر اساس اقتضانات بومی و فرهنگی ایران باشد.

گونه‌شناسی الگو

الگوها را بسته به تنوع کارکردهایشان به چهار گروه تقسیم می‌کنند:

۱. الگوهای شناختی: کارکرد این الگو معرفی یک نظام از طریق برجسته کردن ویژگی‌های اصلی و کنار گذاشتن ویژگی‌های کم‌اهمیت‌تر است؛

۲. الگوهای پیش‌بینی‌کننده: این الگوها بر اساس شناختی که از یک نظام در موقعیت مشخص وجود دارد، رفتارهای آن را در موقعیت‌های جدید پیش‌بینی می‌کنند؛
۳. الگوهای تصمیم‌گیری: کارکرد این الگوها فراهم آوردن اطلاعات برای تصمیم‌گیرنده و امکان اخذ تصمیمات مطلوب در جهت دستیابی به اهداف از قبل تعیین‌شده را فراهم می‌کنند؛
۴. الگوهای هنجاری: کارکرد این الگوها ارائه تصویری نسبتاً دقیق از نظامی است که باید ایجاد شود (دوران، ۱۳۷۶، ص ۶۷-۶۸).

الگویی که در این نوشتار درصدد ارائه آن هستیم (الگوی اسلامی - ایرانی افزایش باروری)، الگویی نظری با کارکرد هنجاری است؛ اما باید توجه داشت که روش الگوسازی در اینجا با الگوهای نظری - هنجاری متعارف در علوم تفاوتی اساسی دارد؛ یعنی در پردازش این الگو، محوریت با مبانی نظری و ارزشی اسلام و در قالب فرهنگ سازگار با شرایط ایران است؛ به عبارت دیگر، در این الگو به دنبال توصیف و تبیین وضع موجود نیستیم، بلکه هدف اساس ارائه مدلی برای تغییر و اصلاح وضعیت نامطلوب موجود است؛ از این رو، هدف ما تبیین یک واقعیت یا پدیده یا نظام خارجی نبوده، بلکه در پی تبیین اهداف و راهبردهای افزایش باروری بر اساس آموزه‌های اسلامی و مطابق با شرایط فرهنگی هستیم.

الزامات الگوی اسلامی افزایش باروری

۱. محوریت مبانی نظری اسلام

در خصوص تصمیم‌گیری‌های راهبردی و کاربردی کلان کشور، آنچه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ شالوده‌های فرهنگی و اعتقادی جامعه است. تجربه سالیان دراز برنامه‌ریزی در ایران، نشان از آن دارد که با وجود دست‌یابی به موفقیت‌های بسیار در راه نیل به اهداف برنامه‌ها، کارآمدی و اثربخشی برنامه‌ها از منظر فرهنگ و اعتقادات، محل پرسش است. البته این سخن به معنای تعارض بین برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های راهبردی با نگرش اعتقادی نیست، بلکه منظور، عدم اهتمام به این عناصر شالوده‌ای فرهنگ در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌هاست؛ از این رو، در الگوی ارائه‌شده، مبانی نظری اسلام به‌عنوان محور الگو لحاظ می‌شوند. منظور از مبانی نظری اسلام، رویکرد اسلام به هستی، انسان و معرفت و جامعه است؛ به بیان دیگر، اعتقاد بر این است که برای سامان بخشیدن به حوزه‌های زندگی باید میان نظام اعتقادی و سازمان‌دهی بخش‌ها هماهنگی نظام‌مندی وجود داشته باشد.

۲. انطباق با شرایط فرهنگی و تاریخی ایران

بدون تردید شرایط و موقعیت کشورها یکسان نیست؛ از این رو، شرط موفقیت الگوها تناسب با شرایط و زمینه‌های زندگی ملت‌هاست. امروزه دیگر زمان ارائه‌های الگوهای تک‌خطی و فرامکانی گذشته است. هر

جامعه‌ای متناسب با منابع انسانی، طبیعی، جایگاه جغرافیایی، سرمایه‌های علمی، فنی و فرصت‌ها و تنگناهای اقتصادی؛ نیازمند طراحی یک الگوی خاص بوده تا در چارچوب نگاهی که به هستی، انسان، معرفت و جامعه دارد، چگونگی بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و مزیت‌های شرایط خود را مشخص نموده و بر اساس آن برنامه‌ریزی کنند. در حقیقت، هر جامعه‌ای برای دستیابی به الگوی موردنظر خود نیازمند دو گونه تناسب است؛ نخست، تناسب با مبانی اعتقادی و فلسفی خود و دیگری تناسب الگو با فرصت‌ها، محدودیت‌ها و شرایط تاریخی و جغرافیایی آن جامعه است. بدون شک، بی‌توجهی به هماهنگی الگوها با ساختارهای فرهنگ بومی، سبب‌ساز ناکارآمدی و شکست برنامه‌ها و عدم دستیابی به اهداف موردنظر خواهد بود. البته بی‌تردید وصف ایرانی بودن الگو هیچ‌گاه به معنای عدم استفاده از تجربیات بشری نخواهد بود.

۳. گفتمان سازی لزوم افزایش باروری

شرط موفقیت هر الگویی همراهی و هم‌نوایی گروه‌های گوناگون اجتماعی، به‌ویژه اندیشمندان جامعه و گروه‌های مرجع و نیروهای اثرگذار اجتماعی، با آن الگو است؛ از این‌رو، پیش از ارائه هر نوع الگویی لازم است تا دلایل و ضرورت‌های ارائه آن به فراخور سطح اندیشه آن‌ها بیان شود؛ زیرا تا ضرورت افزایش باروری برای اقشار گوناگون به خوبی روشن نشود، هرگز خود را به پیروی از آن الگو ملزم نخواهند دید؛ به عبارت دیگر، برای دستیابی به اهداف الگو نیازمند به ارائه گفتمان هستیم. تازمانی که نیاز به افزایش باروری به صورت یک گفتمان غالب در نیاید، سیاست‌گذاری‌ها از کارآمدی لازم برخوردار نخواهند بود. در جامعه‌ای که نخبگان و نیز دیگر سطوح آن هنوز نسبت به لزوم افزایش باروری و جمعیت، قانع نشده‌اند، ارائه الگو نمی‌تواند گره‌گشای کلاف کاهش باروری را باز کند.

۴. به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جامعه

هیچ الگویی نمی‌تواند بدون هم‌گرایی و پشتیبانی ساختارها و نهادهای اجتماعی، امکان تحقق بیرونی داشته باشد. تحقق خارجی یک الگو، مستلزم اقدامات گسترده آموزشی، تبلیغی، ترویجی، پزشکی، اقتصادی و... به‌عنوان ساختارهای پشتیبان است؛ از این‌رو، برای تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده در الگوی افزایش باروری باید از همه ظرفیت‌ها، داشته‌ها و توانمندی‌های سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی، به صورت هدفمند و سازمان‌یافته استفاده کرد. ناهماهنگی بین ساختارهای پیش‌گفته، اگر مانع حل مسئله کاهش باروری نشود، دست‌کم آن را به تأخیر خواهد انداخت.

۵. توجه به نگرش‌های علمی و تخصصی در سیاست‌گذاری‌ها

بدون شک، الگو، وجودی تجربیدی، انتزاعی و کلی داشته و به‌مثابه نقشه راه است؛ از این‌رو، برای دستیابی به اهداف الگو، باید با محور قرار دادن الگو، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی در خصوص افزایش باروری صورت گیرد.

از سویی، سیاست‌گذاری‌های کلان در پدیده‌های چندوجهی چون مسئله جمعیت، نمی‌تواند توسط یک تخصص خاص صورت گیرد. بدین جهت لازم است اندیشمندانی از رشته‌های علمی گوناگونی چون فقه، اخلاق، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، سیاست‌گذاری فرهنگی... در کنار اندیشه‌وران جمعیت‌شناسی، به کار ارائه سیاست‌گذاری‌ها بپردازند.

۶. توجه به ابعاد کمی و کیفی جمعیت

جمعیت هم دارای ابعاد کمی و کیفی است؛ از این رو، در سیاست‌گذاری برای اجرای الگوها باید این دو بُعد، توأمان مورد توجه جدی قرار گیرند.

تأکید بر کمیت جمعیت بدون توجه به کیفیت آن، همان‌قدر چالش‌برانگیز است که کمیت فدای کیفیت شود. اساساً یک الگو وقتی کارآمد است که هیچ‌کدام از این دو بعد را فدای دیگری نکند. در دنیای مدرن آنچه در مسئله جمعیت اولویت می‌یابد، تأکید بر کیفیت است. توجه روزافزون به کیفیت فردی فرزندان و کیفیت جمعیت در جامعه تا آنجاست که معیار داوری و استدلال در مورد کمیت مناسب برای خانواده و اجتماع، همان کیفیت (برخوردارای مادی و کنترل اخلاقی) است. پیامد این رویکرد بی‌تردید، کاهش باروری است؛ یعنی هرچه قدر خانواده‌ها به کیفیت زندگی، رفاه مادی و آینده فرزند اهمیت بیشتری می‌دهند تمایل به فرزند آوری در آن‌ها کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، کارکرد منفی اولویت دادن به کمیت جمعیت بدون توجه به کیفیت آن، گسترش فقر، بیکاری، تنزل سطح بهداشت... خواهد بود که هرکدام تأثیر منفی بر پیشرفت جامعه خواهند داشت؛ از این رو، سیاست‌گذاری بر اساس الگوی مطلوب باید این نکته مهم را مورد توجه قرار داده باشد.

۷. دستیابی به تعادل جمعیتی در افق بلندمدت

مسئله تغییرات باروری پیش از آن‌که متأثر از اقتصاد و سیاست باشد، اثرپذیر از فرهنگ و ساختارهای فرهنگی است. از سوی دیگر، مسائل فرهنگی اموری دیرپا، پرتداوم و دیرتغییرند؛ از این رو، انتظار بازدهی الگو در کوتاه‌مدت، توقعی نابجاست. دگرگونی‌های فرهنگی را نه در افق کوتاه که باید در افق بلندمدت به انتظار نشست. بدین جهت همان‌گونه که کاهش باروری در زمانی کوتاه محقق نشده بود، افزایش آن نیز در بازه زمانی کوتاه امکان‌پذیر نخواهد بود. در این بخش، جامعه علمی دانشگاهی و حوزوی، دستگاه‌های اجرایی، تشکلهای مردم‌نهاد و حتی اقشار مردم می‌توانند نقشی فعال ایفا کنند. در این میان، دستگاه‌های حکومتی باید از روش‌های حمایتی و تشویقی استفاده نمایند تا این گفتمان چه در زمان طراحی و تدوین الگوی چه در زمان اجرای آن، پشتیبانی کارآمد برای تحقق‌پذیری این الگو گردند.

۸. نقش حکومت اسلامی در تحقق‌پذیری الگو

الگو هرچند از پایه علمی استوار برخوردار باشد، اما برای تحقق‌پذیری بی‌گمان نیازمند فراهم آمدن

شرایط و بسترهای مناسب است. بدون وجود شرایط مناسب هرگز الگو از جهان ذهن به زمینه زندگی مردم وارد نخواهد شد. این نکته وقتی روشن‌تر می‌شود که از طریق تمثیل بر این مسئله تأکید کنیم که دین خدا با همه فطری و طبیعی بودنش بدون مدیریت پیامبران و معصومین (علیهم‌السلام) امکان تبدیل شدن به یک تمدن را نخواهد داشت. نقشی که نظام حکومت اسلامی در این مسیر لازم است ایفا کند، نقش حمایتی، مطالعاتی و پژوهشی در ساحت‌های مربوط به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به صورت عام و در خصوص الگوی افزایش باروری به صورت خاص است. این بدان جهت است که حکومت اسلامی به دلیل برخورداری از سلسله مراتب قدرت، اغلب ابزارهای گوناگون تحقق این امر را به صورت انحصاری در اختیار دارد. از نظر فرهنگی نهادهای مهم جامعه‌پذیرکننده‌ای چون آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی در دست دولت است. از نظر اقتصادی نیز تصدی سرمایه‌های اقتصادی با دولت اسلامی بوده و می‌تواند هزینه‌های بالای تحقق‌پذیری الگو را بپردازد. در حوزه حقوقی نیز روند کار به دست حکومت است. از تدوین قوانین حمایت‌کننده گرفته تا اجرای درست آن‌ها همه و همه را دولت تصدی‌گری می‌کند؛ از این رو، نقش دولت اسلامی در بین همه ایفاگران نقش، از اهمیت بالاتری برخوردار است.

مرحل تدوین الگو افزایش باروری

الگو به منزله نقشه راهی است که آغاز، انجام و مسیر را ترسیم می‌کند؛ به عبارت دیگر، الگو به اندیشمندان کمک می‌کند تا ضمن تحلیل و بررسی وضعیت موجود از یک سو؛ و وضعیت مطلوب از سوی دیگر، مسیر درست حرکت را یافته و برای رسیدن به مطلوب در آن طی طریق کنند.

۱. شناخت وضعیت موجود باروری (شناخت مبدأ)

توصیف شرایط کنونی اولین قدم در ترسیم الگوی باروری است. با مروری گذرا به آمارهای جمعیتی و بررسی پژوهش‌های صورت گرفته درباره وضعیت باروری در ایران، می‌توان دریافت که امروزه کاهش باروری تا زیر سطح جانشینی، یکی از نمودهای بروز «مسئله اجتماعی» در جامعه ایرانی است. این مرحله صرفاً یک کار توصیفی بوده و باورها، اعتقادات و ارزش‌ها در شناخت وضعیت موجود اثر مستقیم ندارند.

۲. ترسیم وضعیت مطلوب (شناخت مقصد)

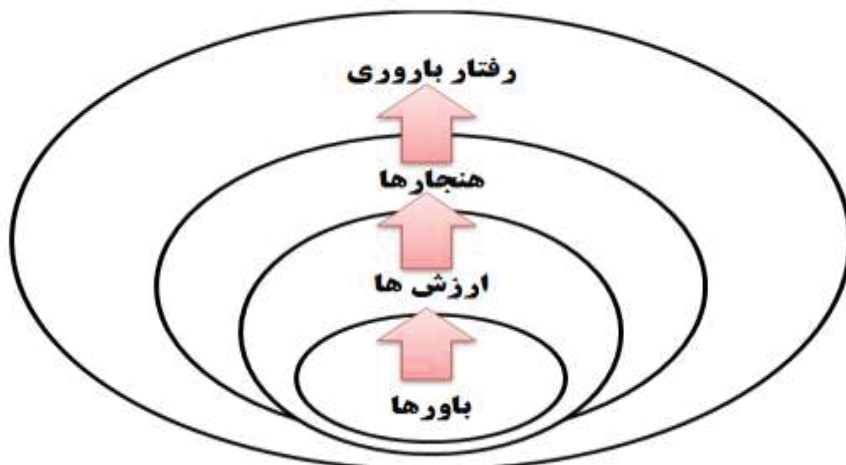
گام دوم در طراحی الگو، ترسیم وضعیت مطلوب باروری است. در این مرحله برخلاف گام نخستین، باورها و ارزش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند؛ از این رو، در الگوی افزایش باروری در جامعه اسلامی باورها و ارزش‌های اسلامی نقش محوری ایفا می‌کنند. اعتقاد به مبانی نظری اسلام از یک سو و باورپذیری ارزش‌ها و عمل به هنجارهای دینی از سوی دیگر، زمینه تحولات باروری را فراهم می‌آورد.

۳. ترسیم مسیر حرکت (شناخت مسیر)

سومین مرحله در تدوین الگو، تعیین مسیر حرکت بوده که متضمن انتخاب راهبردها و سازوکارهای عملی است. در این گام نیز از آنجاکه راهبردها و اقدامات حاوی عناصر هنجاری هستند، آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی در انتخاب آن‌ها نقش ایفا می‌کند. نکته مهم دیگر در این مرحله تبیین روشن و دقیق نقش دولت به منزله نیرویی که قدرت را در اختیار دارد از یک‌سو؛ و نیز نقش مردم به‌عنوان کنشگران اجتماعی، از سوی دیگر، در تحقق‌پذیری الگو افزایش باروری، امری ضروری است.

الگوی اسلامی – ایرانی افزایش باروری

پیش‌ازاین گفتیم که عامل اساسی در کاهش باروری در خانواده ایرانی، اشاعه ابعاد فرهنگی نوسازی بود. نوسازی با محوریت مفهوم توسعه و اشاعه سبک زندگی متناسب با آن، دگرگونی‌های بسیاری را در ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی ایجاد کرده است؛ ازاین‌رو، به نظر می‌رسد که برای ارائه الگویی در جهت مهندسی معکوس، باید از توسعه آغاز کرد؛ اما توسعه مفهومی غربی با مختصات معنایی ویژه‌ای است که با اندیشه اسلامی انطباق ندارد. به تعبیر رستو، نوسازی مستلزم عرفی شدن است. به این معنا که بروز دگرگونی در مذهب و جایگزینی خرد به‌جای مناسک و امور دینی لازمه و مقدمه توسعه است (لاور، ۱۳۷۳، ص ۲۳۲). این به معنای نادیده گرفتن نقش امور متافیزیکی (چون خدا گرایی) در جریان توسعه، نقش ناپذیری سنت‌ها و قوانین الهی در شکل‌گیری، جهت‌دهی و تأثیر روند توسعه در جامعه بشری و جدا کردن آن از عالم معنا، تولید ارزش انسانی و اجتماعی بدون توجه به منبع الهی آن‌ها و... خواهد بود. روشن است که این‌گونه باورها و ارزش‌ها، نه تنها تشویق‌کننده افزایش باروری نیستند، بلکه برعکس، سبب‌ساز کاهش باروری نیز می‌شوند؛ ازاین‌رو، باید از مفهومی متناسب با رویکرد دینی در این خصوص استفاده کرد؛ زیرا توسعه در الگوی غربی مبتنی بر رشد اقتصادی و مزیت‌های دنیوی بوده درحالی‌که اندیشه دینی رشد بشر را در ساحت‌های دینی، اخلاقی، دنیوی و اخروی، طلب می‌کند. در نتیجه مناسب‌ترین مفهوم برای نقطه آغاز الگو پردازی، مفهوم پیشرفت است. پیشرفت را فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب، تبیین وضعیت مطلوب، راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب، تعریف می‌کنند. با توجه به این تعریف، الگوهای پیشرفت دست‌کم در یکی از این سه با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از دلایل اصلی اختلاف نیز جهان‌بینی حاکم بر این الگوها است (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۶۰-۶۱)؛ ازاین‌رو، برای حل مسئله کاهش باروری در جامعه ایران، ضروری است تا سیاست‌ها و راهبردها، تابعی از اصول و مبانی پیشرفتی باشند که وحی و در کنار آن عقل هدایت‌گر و منبع آن و سعادت مادی و معنوی انسان جهت آن و کسب رضایت الهی هدف آن باشد. بر این اساس الگوی ذیل که بر اساس اندیشه اسلامی تدوین اولیه شده است، در صورت التزام به الزامات پیش‌گفته، می‌تواند راه‌حل مناسبی برای مقابله با کاهش باروری در جامعه ایرانی باشد.



طرح ۱. نمای کلی الگوی افزایش باروری

اجزای الگو

۱. مبانی نظری اسلام (باورها)

بدون شک، مبانی نظری هر نظام فکری، در شکل‌گیری ارزش‌ها، هنجارها و رفتار در ساحت‌های گوناگون زندگی بشر، نقش تأثیرگذاری دارد؛ زیرا مبانی نظری مکاتب، به‌مثابه لایه‌های زیرین و شالوده شکل‌دهنده لایه‌های بیرونی در حوزه‌های ارزشی و هنجاری هستند؛ به‌عنوان مثال، مبانی نظری مادی‌گرایی و معناگرایی، دو نظام ارزشی و هنجاری متفاوتی را در پی خواهند داشت و شکل‌دهنده دو گونه رفتار خواهند بود. منظور ما از مبانی نظری در این نوشتار، مبانی هستی‌شناختی (خداشناسی و جهان‌شناسی)، مبانی انسان‌شناسی و مبانی معرفت‌شناسی است. بر اساس الگوی پیشنهادی، ترویج و اشاعه این‌گونه مبانی که از سرچشمه زلال فرهنگ دینی سیراب شده‌اند، نقطه آغاز حرکت به‌سوی حل مسئله کاهش باروری و حرکت به‌سوی وضعیت مطلوب برای افزایش باروری است؛ به‌عبارت‌دیگر تفاوت در مبانی، سبب‌ساز تفاوت در تحلیل وضعیت موجود، تفسیر وضعیت مطلوب، تعیین راهبردها خواهد بود. در ادامه به توضیح مبانی نظری اسلام با لحاظ تأثیرگذاری آن‌ها بر الگوی افزایش باروری می‌پردازیم:

۱-۱. خداشناسی

پرسش آغازینی که مکاتب گوناگون بر اساس مبانی نظری خود باید به آن پاسخ گویند این است که خداوند در هستی چه‌کاری انجام می‌دهد؟ آیا تدبیر و مدیریت هستی به دست خداست و یا این‌که طبیعت بدون دخالت خدا

مدیریت هستی را بر عهده دارد؟ برخی اندیشه‌ها معتقدند پس از خلقت هستی به دست خدا، جریان امور با مدیریت طبیعت پیش رفته و خداوند دیگر دخالت در مدیریت جهان ندارد (کاپلستون، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۷۹). در نگرش اسلامی اما خداوند محور هستی بوده و به صورت فعال در کار مدیریت آن است. ضرورت مدیریت او بر هستی بدان میزان است که اگر لحظه‌ای عنایت او از هستی برداشته شود، قالب‌های هستی فرو خواهند ریخت. خدای اسلام، تدبیر کننده‌ای (آل عمران: ۶۲) است که تدبیرش با حکمت (سجده: ۵) آمیخته است. او مالک (آل عمران: ۱۰۹) همه هستی و حافظ (هود: ۵۷)، مراقب (احزاب: ۵۲)، فعال (هود: ۱۰۷)، برپادارنده (قیوم) (بقره: ۲۵۵)، هدایت‌گر (طه: ۲۰) و روزی دهنده (زمر: ۵۲) آن است. از نظر اسلام خداوند، نه تنها علت ای‌جادکننده هستی که علت استمراردهنده آن نیز است. او روزی همه آفرینش را از طریق اسباب مادی و غیرمادی، تقدیر می‌کند؛ از این رو، زیست مؤمنانه بر محور باورمندی به ربوبیت الهی در دو ساحت تکوین و تشریح و لزوم اطاعت‌پذیری از او نظم می‌پذیرد.

گسترش توجه توحید الهی و صفات خداوند و تشویق به التزام به آن‌ها می‌تواند از طریق نفوذ به بدنه زندگی بشر، بستری مناسب برای حل مسائل و مشکلات در جامعه بشری باشد. جامعه‌ای که عمیقاً به مدیریت خدا بر هستی اعتقاد داشته و او را روزی دهنده واقعی بداند، انگیزه بیشتری برای فرزند آوری پیدا می‌کند. با توجه به این سنت است که خداوند مسلمانان را از کشتن فرزند به جهت ترس از فقر بازداشته و تضمین می‌دهد که آن‌ها و فرزندانشان را روزی می‌دهد (اسراء: ۳۱؛ انعام: ۱۵۱).

۲-۱. انسان‌شناسی

سرشت انسان از دیدگاه مکاتب مختلف، به صورت متفاوت، تعریف شده که از آن به مبانی انسان‌شناسی یاد می‌شود. این‌که از انسان چه تعریفی ارائه گردد، نوع ارزش‌ها و هنجارهای تعریف‌شده برای او نیز متفاوت خواهند بود؛ به‌عنوان مثال در مکاتب لیبرالی غرب، انسان موجودی تعریف می‌شود که مالک بی‌رقیب خود و داشته‌های خویش است. آنچه ارزش‌ها را برای او تعیین می‌کند، نه خدا، بلکه امیال و خواسته‌های درونی اوست. در این نگرش خرد انسانی، مرکب شهوات نفسانی تعریف می‌شود. انسان لیبرال، موجودی است که با تکیه بر خرد خودبنیاد خویش، خود را ملزم به پذیرش هنجارهای اخلاقی دین، جامعه یا دولت نمی‌داند (آربلاستر، ۱۳۸۸، ص ۳۸). او موجودی آزاد آزاد است و نه موجودی آزاد مسئول. به‌گونه‌ای که آنچه برای این انسان اولویت دارد، لذت و ارضای نیازهای شخصی است؛ از این رو، هر کنش یا هر کیفیتی که وی را در رسیدن به بیشترین لذت یاری دهد، از نظر او خوب (آربلاستر، ۱۳۸۸، ص ۴۰) و برعکس، هر آنچه مانع از کسب بیشترین لذت باشد، از نظر اخلاقی بد تلقی می‌شود. بر این اساس، زادآوری از آن جهت که لذت‌های شخصی را محدود می‌کند، امری مذموم خواهد بود. در رویکرد اسلامی، اما هدف از آفرینش انسان، عبودیت و بندگی خدا (ذاریات: ۵۶) و حرکت به سوی کمال است. در این نگرش، انسان موجودی دو ساحتی است؛ ساحت مادی (بدن) و ساحت مجرد و غیرمادی (روح) (حجرت: ۲۸-۲۸).

۲۹)؛ اما آنچه در این میان، واقعیت وجودی انسان را شکل می‌دهد نه بعد مادی که بعدی روحانی انسان است (انعام: ۶۱). بر این اساس، همراهی روح و جسم در حیات طبیعی به این سبب است که بدن ابزار کار روح انسانی است. از سوی دیگر، دو ساحتی بودن انسان، تبیین‌کننده دو نوع نیازمندی نیز هست. برخی نیازهای انسانی مربوط به ابعاد مادی است که از آن‌ها به نیازهای غریزی یاد می‌شود مانند نیاز به تغذیه و برخی دیگر مربوط به جنبه روحانی اوست که به نیازهای فطری موسوم می‌شوند؛ مانند تمایلات متعالی انسان، مانند خداجویی و عدالت‌خواهی.

در نگرش اسلامی، انسان دارای اراده و اختیار است (کهف: ۲۹). بر این اساس، وی می‌تواند با گزینش آزادانه خود، جنبه عقلانی و یا حیوانی خود را بر وجود خویش چیره کرده و از این طریق راه کمال و یا انحطاط معنوی را طی کند. از این منظر، کمال‌نهایی انسان نه کسب بیشترین لذت‌های مادی که قرب به خدا و رسیدن به مقام عبودیت است؛ بنابراین، هر آنچه موجب نزدیک‌تر شدن انسان به خدا شود، ارزش اخلاقی مثبت داشته و هر چه مانع این تقرب باشد یا موجب دوری انسان از خداوند گردد، دارای ارزش اخلاقی منفی است.

انسان اسلام، درست و غلط را از طریق عقل ابزاری به دست نمی‌آورد چون دست‌یابی به کمال‌نهایی، از توان خرد بشری خارج است؛ ازاین‌رو، انسان نیازمند به وحی برای استعانت به عقل است. از سوی دیگر، از منظر اسلام، انسان جانشین خدا بر روی زمین (بقره: ۳۰) بوده و در مقابل وی مسئول است. خلیفه بودن انسان اقتضا می‌کند که مالکیت انسان به مرزهایی که خداوند تعیین می‌کند، محدود شود؛ ازاین‌رو، انسان در تصرف در جان و مال خود، به حدودی که خداوند تعیین کرده است، مجاز می‌شود.

انسان فقط در مقابل خدا مسئول بوده و دیگر مسئولیت‌ها، در پرتو مسئولیت در مقابل خدا معنا می‌یابد (مصباح یزدی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۲)؛ ازاین‌رو، انسان باید در برابر خداوند سر تعظیم فرو آورد و تابع خواسته‌های او باشد. قلمرو این خواسته، همه عرصه‌های زندگی انسان را فراگرفته است. از رابطه با خدا گرفته تا رابطه انسان با خودش و از روابط خانوادگی گرفته تا روابط اجتماعی. پیروی از همه این ارزش‌ها و هنجارها تضمین‌کننده سعادت این جهانی و آن جهانی انسان است.

۳-۱. معرفت‌شناسی

مراد از معرفت‌شناسی علمی است که درباره شناخت‌های انسان و ارزش‌یابی انواع، تعیین ملاک صحت و خطای آن‌ها بحث می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۳۷). در رویکرد اسلامی، واقعیت به دو بخش مادی و مجرد تقسیم می‌شود؛ ازاین‌رو، هستی از دو نظام علی و معلولی مادی و مجرد تشکیل شده که با یکدیگر انطباق داشته و مدیریت هر دو به دست خداوند است.

از این منظر ابزارهای شناخت عبارت‌اند از: حس، عقل و قلب. ادراکات شهودی به وسیله قلب درک می‌شود، عقل

تصدیقات و مفاهیم ثانویه فلسفی و منطقی را درک می‌کند و حس زمینه‌ساز درک مفاهیم حسی است (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۳۴). این در حالی است که از منظر مکاتب مادی اساساً واقعیت غیرمادی وجود ندارد؛ از این رو، برخی از این مکاتب صرفاً تجربه حسی را به منزله ابزار شناخت به رسمیت می‌شناسند (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۸۸). روشن است که تفاوت در ابزار شناخت، موجب تفاوت در منابع شناخت می‌گردد. تجربه‌گرایان تنها منبع شناخت را عالم ماده که قابل تجربه است، می‌دانند؛ اما از منظر اسلامی غیر از جهان طبیعت و ماده، منابع دیگری برای شناخت وجود دارد؛ از قبیل عالم مجردات که با ادراک شهودی و عقل قابل شناخت است.

آیات قرآن که ادراکات شهودی بدون خطای پیامبر اعظم (ص) است و روایات معصومین (علیهم‌السلام) به جهت مصونیت از خطا، شایستگی استفاده برای رسیدن به کمال این جهانی و آن جهانی را دارند. این شناخت‌ها در صورت بکار گرفته شدن در زندگی می‌توانند سعادت انسان را تضمین کنند. به همین جهت است که سنت‌های الهی که از قرآن و سنت استنباط می‌شوند نقش مهمی در شناخت قوانین علمی حاکم بر جوامع بشری دارند. بر اساس نگرش اسلامی، علل مجرد در کنار علل مادی در تحقق پدیده‌ها و وقایع خارجی دخیل هستند. تفاوت در این مبانی، تحلیل وضعیت موجود را متفاوت می‌کند. مثلاً نقش تقوا در زیاد شدن روزی (اعراف: ۹۶) و نقش گناه در سیه‌روزی فردی و اجتماعی (طه: ۱۲۴) از آن جمله‌اند؛ از این رو، مبانی معرفت‌شناسی یکی از مبانی تأثیری‌رگذار در الگوهای پیشرفت است.

۴-۱. جهان‌شناسی

فهم درست از رابطه بین جهان طبیعت و جهان فرا طبیعی و نیز قوانین حاکم بر این دو حیات نیز یکی دیگر از مبانی مهمی است که در پی‌ریزی الگوهای زندگی تأثیرگذار است. از منظر اسلام، همه هستی آیه و آئینه تمام‌نمای خداست. بین زندگانی این جهانی انسان با جهان پس از مرگ ارتباط وجود دارد. در حقیقت کیفیت حیات اخروی انسان در گرو چگونگی زیستن در این جهان است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹) بر این اساس، بدون توجه به زندگی آن جهانی انسان نمی‌توان برای زندگی این جهانی او برنامه‌ریزی کرد. از این منظر سنت‌های الهی غیرقابل تغییر و تبدیل (فاطر: ۴۳) به‌عنوان قوانین الهی و بر اساس مشیت الهی بر جهان حاکم هستند.

یکی از این سنت‌های الهی این است که خدا تغییر وضعیت جوامع را به اراده خودشان سپرده است (رعد: ۱۱). این بدان معناست که مقدرات جوامع قبل از هر چیز و هر کس در دست خود آن‌ها بوده و هرگونه تغییر و دگرگونی در خوش‌بختی و بدبختی اقوام، در درجه نخست به خود آن‌ها بازگشت می‌کند. این که ملتی خود بخواهد سربلند و پیش‌رو باشد و یا به‌عکس خودش تن به ذلت و زبونی و شکست دهد. حتی لطف خداوند یا مجازات او بی‌مقدمه دامان هیچ ملتی را نخواهد گرفت، بلکه این اراده و خواست ملت‌ها و تغییرات درونی آن‌هاست که آن‌ها را مستحق لطف یا مستوجب عذاب خدا می‌سازد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ص ۱۴۵).

در رویکرد اسلامی، از میان همه گونه‌های لذت‌ها بدنی، روحی، دنیوی و اخروی، لذت‌های اخروی از جهت کمیت (تعدد و تنوع) بیشتر (زخرف: ۴۳) و از جهت کیفی (بهتر بودن و ماندگاری) پایدارترند (اعلی: ۸۷)؛ از این رو، عقل حکم به ترجیح لذت‌های اخروی بیشتر و پایدارتر و متعالی‌تر بر لذت‌های دنیوی کمتر و پست و ناپایدار می‌نماید.

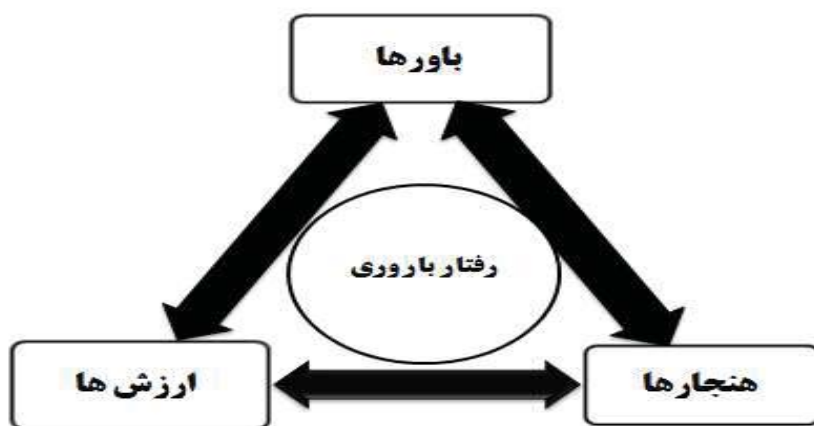
از دیدگاه اسلام، انسانی سعادت‌مند است که برآیند لذات دنیوی و اخروی‌اش زیاد باشد و چون لذت‌های اخروی از لذت‌های دنیوی بیشتر، برتر و پایدارتر است، در مقام تراحم، مقدم می‌شوند؛ از این رو، لذات دنیوی، چنانچه به لذات اخروی انسان آسیب وارد نکند، مجاز شمرده شده و می‌تواند در سعادت انسان تأثیر مثبت داشته باشد. این در حالی است که در رویکرد لیبرالی لذت، خوشی (خوشبختی) و خیر مترادف هستند و الم، ناخوشی و شر بر یک معنا دلالت دارد. در این رویکرد، لذت و الم، به لذت و الم مادی و دنیایی تفسیر می‌شود. در نتیجه، هر کس از لذت دنیایی بیش‌تری برخوردار باشد، سعادت‌مندتر است. بر این اساس، هرچه قدرت پاسخ‌گویی انسان به امیالش فزون‌تر باشد و از زندگی بیش‌تر لذت ببرد، سعادت‌مندتر است. از نظر این گروه در ساحت اجتماعی نیز چون منفعت یا مصلحت جامعه، به معنای برآیند منافع آحاد جامعه است، در این صورت نیز بیشترین خوشی بیشترین تعداد ممکن اعضای جامعه مبنای قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، بیشترین میزان خوشی (خوشبختی) فرد یا جامعه تنها غایت مطلوب عمل انسانی است (کاپلستون، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۲۴-۲۵).

بر این اساس، برای ایجاد بیشترین لذت لازم است که نظام اقتصادی و رشد اقتصادی در اولویت نظام اجتماعی قرار گیرد چون بیشترین لذت مادی حسی را - که اغلب در مصرف‌گرایی خود را نشان می‌دهد - ایجاد می‌کند. به همین جهت امروزه، مصرف‌گراترین جوامع، کشورهای هستند که در اندیشه لیبرالی سیر می‌کنند. روشن است که در این گونه جوامع، هر کنشی که سبب‌ساز کاهش لذت دنیایی انسان باشد، از نظر اخلاقی منفی تلقی می‌شود. خانواده‌گرایی، قناعت و رزی، تقوای پیشگی، زادآوری زیاد، ... اموری غیرعقلانی تلقی می‌شوند.

در پایان این بخش، بر این نکته تأکید می‌کنیم که وقتی تحلیل وضعیت موجود و تبیین وضعیت مطلوب از منظر مبانی نظری مکاتب مختلف، متفاوت باشد، راهبردها و اقدامات هرکدام نیز بدون تردید، متفاوت خواهد بود؛ از این رو، اگر در الگوی افزایش باروری مبانی نظری اسلام را معیار قرار داده و وضعیت موجود و مطلوب خود را بر آن اساس تبیین کنیم، راهبردها و اقدامات پیش رو برای حل مسئله نیز رنگ و بوی دینی گرفته و بر مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی، استوار خواهند بود؛ به عنوان مثال، در قرآن راه برون‌رفت از تنگناهای اقتصادی - که اتفاقاً دلیل برخی افراد برای کم زادآوری است - تقوای و خدا پروایی^۱، معرفی شده است.

۱. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق: ۲-۳).

در جای دیگر نیز از بی‌تقوایی به‌عنوان مانع بزرگ بارش رحمت الهی، یاد شده است.^۱



طرح ۳. نمای کلی الگوی فرهنگی افزایش باروری

۲. ارزش‌ها

دومین بخش از الگوی افزایش باروری، ارزش‌ها هستند. ارزش‌ها به احساسات ریشه‌داری اطلاق می‌شوند که اعضای یک جامعه در آن‌ها سهیم‌اند (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۳۹). ارزش‌ها که خود متأثر از مبانی نظری و باورهای شالوده‌ای‌تر جامعه هستند، رفتار مقبول اجتماعی را برای اعضا تعریف می‌کنند؛ به عبارت دیگر ارزش‌ها آن دسته از اعتقادات مشترک اجتماعی در باب مطلوبیت امورند که مشخص‌کننده مسائل مطلوب یا نامطلوب در یک جامعه هستند (صدادقتی فرد، ۱۳۹۱، ص ۹۷). با توجه به این تعریف می‌توان دریافت که ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر نظام اجتماعی هستند که از طریق کنترل و هدایت آن‌ها می‌توان جامعه را به زوال یا تعالی کشاند (رفیع‌پور، ۱۳۸۹، ص ۲۶۷). به جرأت می‌توان گفت که همه دگرگونی‌هایی که در فرهنگ جامعه رخ می‌دهد، متأثر از دگرگونی‌هایی است که در ارزش‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد. در مسئله کاهش باروری در دهه‌های اخیر نیز، بدون تردید نقش اساسی را دگرگونی‌های ارزشی ایفا کرده‌اند. رواج ارزش‌های غربی چون فردگرایی، مصرف‌گرایی، آزادی‌های جنسی، کاهش ارزش ازدواج و زادآوری و... نمودهایی از دگرگونی در ارزش‌های جامعه ایرانی بوده که پیامد آن غلبه گفتمان کم‌فرزند آوری بود؛ از این‌رو، برای حل مسئله کاهش باروری باید ارزش‌ها را تغییر داد.

ارزش‌های دینی که در گذشته سبب‌ساز زادآوری زیاد بود امروز باید بر اساس اقتضانات زمان، احیا و ترغیب

۱. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶).

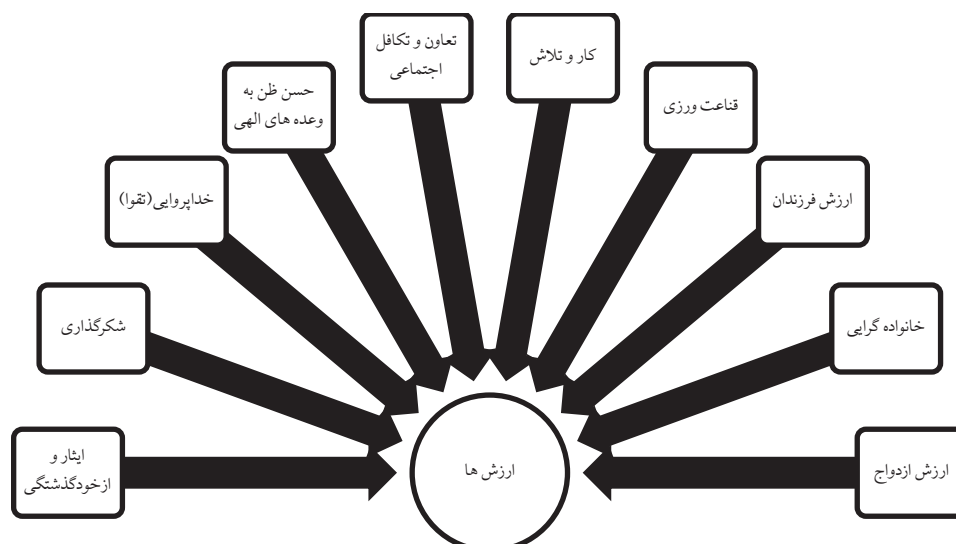
شود تا علاوه بر کارکردهای مثبت برای جامعه، مسئله کاهش زادآوری نیز حل شود. بدون تردید ترسیم وضعیت مطلوب و مسیر حرکت به آن‌سو، امری است که با ارزش‌های هر جامعه ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ از این‌رو، در جامعه اسلامی ارزش‌های دینی در افزایش باروری نقشی اساسی ایفا می‌کنند. در ادامه به توضیح برخی از این ارزش‌ها می‌پردازیم.

۲-۱. خانواده گرایی

منظور از خانواده گرایی به‌عنوان یک ارزش، گرایش به ارزش‌های خانواده‌گرایانه در مقابل ارزش‌های فرد محورانه در زندگی است. ارزش‌هایی چون تفکیک نقش‌ها، اولویت یافتن نقش مادری و همسری، ارزش کارخانگی، تصمیم‌گیری خانواده برای ازدواج و فرزندآوری... از مهم‌ترین ارزش‌های خانواده‌گرایانه هستند. بدون شک، یکی از مشکلات جدی و اساسی در شرایط باروری پایین، عدم امکان انطباق منافع فردی با مصالح اجتماعی است.

افزایش خودخواهی‌های فردی و کاهش نفوذ نیروهای سنتی بر رفتار و تمایلات فرزند آوری افراد و خانوارها سبب شده است افراد در تصمیم‌گیری برای ازدواج و تشکیل خانواده و فرزند آوری، همواره منافع و خواسته‌های فردی را بر مصالح اجتماعی ترجیح دهند. در چنین شرایطی، کاهش باروری نتیجه منطقی سبک نوین زندگی است. خانواده ایرانی نیز همگام با خانواده جهانی دچار تحول شده، اما بنیان خانواده و کارکردهای اساسی آن با افول مواجه نشده، بلکه نوعی بی‌سامانی در روابط خانوادگی روبه‌رو شده است. این بی‌سامانی، از فرایند نوسازی و اشاعه سبک زندگی غربی و رواج ارزش‌های فردگرایانه خانواده مدرن، متأثر بوده است. تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد بین عوامل تأثیرگذار بر تحولات ارزشی خانواده، عواملی چون به هم خوردن تمایزات جنسیتی و تفکیک نقش‌ها در خانواده، غلبه الگوهای جدید همسرگزینی در خانواده، گسترش تحصیلات، کاهش فضای تعامل و گفتگو در خانواده، افول باورهای دینی و اعتقادات مذهبی در خانواده، فردگرایی و ضعف باورهای اخلاقی در خانواده، دارای تأثیر معنادارتری بوده‌اند (لبیبی، ۱۳۹۲، ص ۳۳).

درواقع، نوسازی با اولویت دادن به این وضعیت‌ها از یک‌سو تشکیل خانواده در سنین بالاتر را تشویق کرده و بستر را برای کاهش باروری فراهم آورده و از سوی دیگر، با سست کردن بنیان خانواده‌ها و افزایش طلاق‌های قانونی و عاطفی، بر کاهش باروری تأثیر گذاشته است؛ از این‌رو، اگر ارزش‌های فرد محور به‌سوی ارزش‌های خانواده محور، دگرگون شود، می‌تواند زمینه افزایش بارآوری را فراهم آورند. شایان‌ذکر است تغییر دوباره فرهنگ خانواده از فردگرایی عارضی به خانواده گرایی پیشین، نمی‌تواند مسئله‌ای صرفاً فرهنگی - تبلیغی باشد، بلکه سیاست‌گذاری‌های دولت در همه ساحت‌های زندگی اجتماعی باید به‌گونه‌ای باشد که انگیزه ازدواج و تشکیل خانواده و ارزش‌های خانواده‌گرایانه را افزایش دهد.



طرح ۲. ارزش‌های تأثیرگذار در الگوی افزایش باروری

۲-۲. ارزش ازدواج

ازدواج، از عوامل بی‌واسطه باروری است؛ از این رو، هر عاملی که زمینه‌ساز کاهش ازدواج باشد، از عوامل کاهش باروری نیز شمرده می‌شود. به همین جهت در جوامعی که به هر دلیل ارزش ازدواج کاهش یافته، نرخ باروری نیز کاهش یافته است. بر این اساس، در الگوی افزایش باروری باید با تبیین ارزش ازدواج و رفع موانع آن، هم‌عمومیت ازدواج و هم به هنگام صورت گرفتن آن مورد توجه قرار گیرد. از آنجاکه درصد بالایی از کاهش باروری در ایران متأثر از افزایش سن ازدواج است (Abbasi-Shavazi, McDonald, and Hosseini-Chavoshi, 2011, p203)، تبیین و تشویق ارزش ازدواج به هنگام در الگوی افزایشی باید مورد توجه جدی قرار گیرد. با توجه به این‌که اکثریت جامعه ایرانی مسلمان و معتقد به دین هستند، لازم است از ظرفیت آموزه‌های دینی در این خصوص بهره برده شود.

برای افزایش ازدواج در آغاز باید عوامل کاهش و یا تأخیر ازدواج مورد بررسی قرار گیرد. بخشی از این عوامل، به مسائل اقتصادی و معیشتی و نیز بیکاری برمی‌گردد. بخشی نیز به فرهنگ‌ها و سنت‌های سخت‌گیرانه ازدواج، همچون مهریه و جهیزیه بالا و... قابل ارجاع است که نشان از کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی دارد. از سوی دیگر، رفع مشکلات ازدواج نیاز به فرهنگ‌سازی و آموزش همگانی دارد. تشویق خانواده‌ها به آسان‌گیری ازدواج و ساده زیستی در زندگی، ایجاد فضای گفتمان ازدواج در جامعه، ترغیب رسانه‌های عمومی به اختصاص ویژه‌برنامه‌هایی در خصوص ازدواج و خانواده با برشمردن کارکردهای مثبت ازدواج بهنگام و آسیب‌شناسی

ازدواج‌های دیر هنگام، تهیه و تولید فیلم‌های آموزنده در مورد ازدواج، ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی پیرامون موضوع ازدواج و خانواده می‌تواند فرهنگ جامعه را در این زمینه اصلاح کند.

۲-۳. ارزش فرزندان

در میان ارزش‌های خانواده گرایانه، ارزش فرزندآوری از مهم‌ترین ارزش‌هایی است که می‌تواند در دگرگونی‌های سطوح باروری و تغییرات رشد جمعیت نقش مهمی ایفا کند. با شناخت ارزش‌ها و ایدئال‌های فرزندآوری، می‌توان سیاست‌ها و برنامه‌هایی را به منظور تغییر شرایط فرهنگی، بینش‌ها و نگرش‌های اجتماعی طراحی و بستر مناسبی برای تغییر رفتارهای باروری افراد فراهم کرد.

در نظام معنایی جهان مدرن، ارزش منفی فرزندان بر ارزش مثبت آن‌ها چیرگی یافته است؛ زیرا امروزه هزینه فرزندان بسیار بیشتر از منافع اقتصادی و عاطفی آنان است. ارزش فرزندآوری بر اساس تحولات اقتصادی - اجتماعی هر جامعه تغییر می‌یابد. ارتقا عناصر مهم توسعه چون گسترش شهرنشینی، افزایش سطح تحصیلات زنان و به دنبال آن اشتغال بیشتر آن‌ها علاوه بر آن‌که سن ازدواج را افزایش داده، میل به فرزندآوری را در بین زنان ایرانی کاهش داده است؛ از این رو، در الگوی افزایش باروری لازم است ارزش‌گذاری فرزند بر اساس منافع مادی صرف (اقتصادی و عاطفی که شاخصه فرهنگ مدرن است) تحول یافته و ارزش‌گذاری بر اساس عناصر معنوی به‌عنوان محور فرزندآوری برجسته شود.

در رویکرد دینی کارکردهای معنوی فرزندان بیشتر مورد توجه بوده و تشویق به فرزندآوری نیز بر همان اساس صورت می‌گرفت. بدون شک، گسترش انگیزه‌های دینی فرزندآوری چون معادل‌سازی ارزش دوره‌های سه‌گانه بارداری، زایمان و شیردهی، با جهاد و شهادت در راه خدا (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۷، ح ۵۶)، زمینه‌ساز تحمل سختی‌ها و رنج‌های ناشی از باروری و فرزندآوری از سوی والدین به جهت کسب رضایت الهی و نیل به منافع معنوی خواهد بود.

۲-۴. ارزش مادری

نوع نگرش به امور گوناگون در جهت‌گیری رفتاری نسبت به آن‌ها تأثیر بسزایی دارد. نگرش منفی و یا مثبت داشتن به پدیده‌های پیرامون، در گرایش یا عدم گرایش عملی به آن‌ها نقش دارد. مفهوم مادری از جمله مفاهیمی است که واکنش‌های متفاوتی را در زنان برمی‌انگیزاند. برخی آن را امری لذت‌بخش برای زنان و نمادی از هنر آفرینندگی زن دانسته و بدان تمایل دارند؛ اما برخی دیگر ممکن است آن را به مثابه ستم‌پذیری و سبب‌ساز عقب‌ماندگی زن دانسته و تمایلی به آن نداشته باشند.

امروزه به سبب رواج اندیشه‌های برابری طلبانه فمینیستی، فرایند مادری با نگرشی منفی از سوی برخی زنان مواجهه است. کارکرد اشاعه این نوع نگاه را می‌توان در کاهش باروری زنان به‌روشنی مشاهده کرد. در واقع، آنچه

به‌ویژه در دهه اخیر شاهدش بوده‌ایم، تحول در نگاه زنان نسبت به خود و نقش مادری‌شان است. هویت زنان امروز دیگر با مفهوم مادری و فرزند آوری تداعی نمی‌شود. آنچه هویت زن امروز را می‌سازد، تحصیلات و اشتغال اوست.

امروزه بسیاری از زنان در سازمان‌ها، ادارات، مراکز دولتی و خصوصی مشغول کار هستند. این موضوع باعث شده زنان بیشتر در خارج خانه و مشغول کار باشند و این مسئله به یک ارزش هویت‌ساز برای آنان تبدیل شده است به‌گونه‌ای که زنان شاغل به زنانی که در خانه و مشغول تربیت فرزند هستند به دیده تحقیر می‌نگرند.

بر این اساس، در الگوی افزایش باروری باید به احیای ارزش مادری بر اساس آموزه‌های دینی همت گماشت. اشاعه ارزش مادری، انگیزه معنوی نیرومندی است که می‌تواند در رفتار باروری کنونی زنان، تحول ایجاد کرده و به افزایش آن کمک کند. این کار در سطح کلان بر عهده دولت اسلامی است تا از طریق نهادهای فرهنگی و آموزشی تحت نفوذ خود به این امر مبادرت کند. در سطحی دیگر اما نهادهای حوزوی نیز می‌توانند با تبلیغ فرهنگ دینی به‌ویژه آموزه‌های دین در خصوص باروری و مادری، در تقویت انگیزه مادری به زنان تأثیرگذار باشند. افزون بر این، توسعه مفهوم مادری نیز در تقویت ارزش مادری و گرایش به باروری تأثیر بسزایی دارد؛ زیرا امروزه زنان بیش از هر دوره دیگر هم در خانه و هم در بیرون کار می‌کنند و این سبب‌ساز فشار نقش بر آن است. به همین علت، مردها نیز می‌توانند از طریق توسعه بخشیدن به فرایند مادری و شرکت در تعهدات مربوط به تربیت، پرورش و نگهداری از فرزند، انگیزه باروری را در زنان ایجاد کنند. از سوی دیگر، دولت‌ها نیز در تقویت ارزش مادری می‌توانند نقش ایفا کنند. این کار از طریق فراهم نمودن تسهیلاتی از قبیل مرخصی زایمان، بازنشستگی زودرس، انعطاف ساعات کار، حقوق بیکاری و امنیت شغلی برای زنان، قابل تحقق است.

۲-۵. خدا پروری (تقوا)

بر اساس آموزه‌های هستی‌شناسانه اسلام، دو گونه عوامل مادی و معنوی تأثیرگذار بر تحولات هستی هستند. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین عوامل معنوی اثربخش در راحتی و آرامش زندگی، تقوای پیشگی است. وقتی زندگی خانوادگی و نیز اجتماعی، رنگ و بوی خدا پروری بگیرد، درهای رحمت و برکت الهی گشوده شده و تنگناهای زندگی به گشایشی لذت‌بخش تبدیل خواهند شد. بسیاری از سختی‌های زندگی مربوط به هزینه‌های فرزندان نیست، بلکه تأثیر عدم رعایت خدا پروری و ایجاد مانع در نزول برکات الهی است. در قرآن به این مسئله با صراحت تأکید شده است که «اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوای پیشگی می‌کردند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی آنان تکذیب کردند [و کفر ورزیدند] پس ما هم به خاطر کردارشان، آنان را [با قهر خود] گرفتیم» (اعراف: ۹۶). از این آیه می‌توان استفاده کرد که سرمایه‌گذاری روی فرهنگ معنوی جامعه، بازده اقتصادی هم دارد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۳۳).

۲-۶. شکرگزاری از نعمت‌های الهی

یکی دیگر از عوامل معنوی تأثیرگذار در آسایش و آرامش و گشایش در زندگی، شکرگزاری از نعمت‌های الهی است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، شاکر بودن یکی از ارزش‌های مهمی است که زمینه‌ساز زیادت نعمت‌های الهی و در مقابل کفران نعمت سبب‌ساز دوری از آن‌هاست. خدا در قرآن می‌فرماید: «اگر سپاس‌گزار نعمت‌های الهی باشید، آن نعمت‌ها را می‌افزاییم و اگر کفران نعمت کنید، البته عذاب من شدید است» (ابراهیم: ۱۴). این ارزش می‌تواند در دو جهت برای خانواده‌ها گشایش را به وجود آورد نخست تأثیر معنوی ارزش شکرگزاری و دوم تأثیر مادی به واسطه مصرف بهینه منابع و اجتناب از مصرف‌زدگی؛ زیرا یکی از مصادیق شکر، شکر عملی و استفاده درست از نعمت‌های خداوند است. شهید مطهری در تفسیر این آیه می‌نویسند: «اگر از مواهب الهی قدردانی و حق‌شناسی کنید و به نحو مطلوب بهره‌برداری نمایید، آن‌ها را بر شما افزایش می‌دهیم و اگر ناسپاسی کنید و آن نعمت‌ها را بیهوده در راه خلاف مصرف کنید، عذاب من البته شدید است» (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۳۶) التزام نظری و عملی به این ارزش می‌تواند بسیاری از مشکلاتی را که فراروی فرزند آوری است از میان بردارد. از جمله این مشکلات، تنگی معیشت است که جریان سنت الهی از زیادت نعمت شکرگزار، برطرف می‌شود.

۲-۷. قناعت و کفاف

یکی از اصول مهم نظام اقتصادی اسلام که می‌تواند تأثیر مثبتی بر رفتار باروری داشته باشد، اصل قناعت و کفاف است. قناعت به معنای اکتفا به قدر ضرورت است (نراقی، بی تا ج ۲، ص ۱۰۱). در مقابل آن صفت حرص است که به معنای تلاش برای چیزهایی است که انسان به آن نیاز ندارد (نراقی، بی تا ج ۲، ص ۱۰۰). برخلاف سبک زندگی مدرن که انسان را به حرص و آز و تلاش فراوان برای بهره‌مندی و لذت بیشتر از مطامع دنیوی تشویق می‌کند، قناعت با پرهیز دادن از آزمندی بی‌حد و حصر، به ساده‌زیستی و بهره‌مندی بهینه و هدفمند از منابع طبیعی و لذت‌ها، ترغیب می‌کند.

درواقع، اصالت بخشیدن به لذت، تنوع و فزون‌خواهی باعث می‌شود و مصرف‌زدگی به فرهنگ رایج مردم بدل گشته و کارکردهای منفی بسیاری را برای زندگی آنان در پی داشته باشد. گرایش الگوی مصرف جامعه به سوی رعایت قناعت و کفاف، کارکردهای مثبت زیادی در ساحت‌های مختلف برای زندگی به همراه خواهد داشت. امروزه بهانه بسیاری از مردم در کاهش رفتار باروری، بالا بودن هزینه‌های زندگی است که با آمدن فرزندان، افزایش بیشتری می‌یابد، و این در حالی است که بخش زیادی از این هزینه مربوط به سبک مصرف گرایانه زندگی جدید و رعایت نکردن قناعت و کفاف در اقتصاد خانواده است. امام علی (ع) با تأکید بر ارزشمندی کفاف در اقتصاد خانواده به کارکردهای آسایش و رفاه و آسودگی به‌عنوان پیامد آن اشاره می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۲۳۸). در روایات، از یک‌سو غنی و توانگری از کارکردهای قناعت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۱۸۷) و از سوی دیگر، از قناعت به‌عنوان یکی از شاخص‌های عقلانیت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳۹) یاد شده است. بر این اساس، اگر

آموزه‌هایی چون قناعت، به‌عنوان ارزش به جامعه معرفی شده و رفاه و لذت مادی در درجه دوم اعتبار و اهمیت قرار گیرند، از روند کاهش باروری به میزان زیادی جلوگیری خواهد شد. آموزه‌های اخلاقی چون رزاقیت الهی و تضمین روزی از سوی خدا می‌تواند در هنجار شدن قناعت و کفاف تأثیرگذار باشد.

۲-۸. ایثار و از خودگذشتگی

بدون شک، فزونی فرزندان، دشواری‌های زیادی را برای اعضای خانواده ممکن است در پی داشته باشد؛ به‌عنوان مثال، برای مادر زایمان‌های متعدد، برای پدر کار و تلاش بیشتر و برای فرزندان محدودیت در منابع را به همراه خواهد داشت، اما باین‌همه بر اساس رویکرد توحیدی، در همین سختی‌های زندگی و با رشد فضائل اخلاقی چون ایثار و از خودگذشتگی است که مسیر کمال طی می‌شود. افزون بر این، رواج ارزش ایثار تأثیر شگرفی بر رشد مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده خواهد داشت؛ زیرا خانواده پر فرزند، بستری مناسب برای تقویت سجایای اخلاقی پدر و مادر و فرزندان می‌گردد. پدر و مادر به علت شمار فرزندان، احساس مسئولیت‌پذیری بیشتری خواهند کرد و انگیزه برای فعالیت بیشتر در آنان به وجود خواهد آمد. فرزندان نیز چون شمارشان زیاد است نمی‌توانند به تکیه به حمایت خانواده، تبلی پیشه کنند، بلکه از آغاز جوانی بر توانمندی‌های خود اتکا نموده و شخصیتی مستقل‌تر می‌یابند. در این میان، توجه به معاد و محاسبه اخروی در الگو افزایش باروری، موجب منطقی شدن تحمل همه دشواری‌ها و ترویج ایثار و از خودگذشتگی است و لذا معنایابی این مفهوم اساسی و سرنوشت‌ساز، در الگو، ضرورتی کارکردی دارد.

۲-۹. ارزش انکاری کار و تلاش

برخلاف این اندیشه که فزونی جمعیت سبب‌ساز گسترش بیکاری است، اندیشمندان بسیاری بر این باورند که تعداد کم جمعیت، افراد را به آسان‌زیستی و تبلی سوق می‌دهد؛ اما تراکم و تعداد زیاد جمعیت ممکن است سبب کمبود رزاق و امکانات زیستی گردد که انسان را به کار بیشتر و رقابت و تولید رو به افزایش وا می‌دارد که نتیجه آن تولید ثروت است (کتابی، ۱۳۶۴). به‌هرحال آنچه در تولید ثروت و فراهم آوردن رفاه نقش مهمی ایفا می‌کند، کار و تلاش برای توسعه برای خانواده است.

وقتی خانواده احساس کند که باوجود فرزند زیاد از رفاه و آسایش نسبی برخوردار است، تمایل به کاستن از باروری پیدا نمی‌کند. هرچند گاه باوجود رفاه نیز برخی تمایلی به فرزند آوری ندارند اما برای بسیاری مسئله به‌گونه‌ای دیگر مطرح است. بدین معنا که برخی ضمن عادت کردن به راحت‌طلبی، تن‌آسایی و تبلی، فرزند آوری را مانع آسایش خود می‌دانند. با این‌که با اندکی تلاش بیشتر می‌توان بدون از دست دادن رفاه و آسایش بر زادآوری خود افزود.

به نظر می‌رسد راه جمع بین فرزند آوری و احساس آسایش این است که فرهنگ کار در جامعه نهادینه شود؛

بنابراین با توجه به نقش کار و عمل در پویایی حیات اقتصادی و اجتماعی فرهنگی جامعه، کوشش برای تقویت فرهنگ کار و زدودن عوامل بازدارنده از آن یک ضرورت است. فرهنگ کار و تلاش ضمن زمینه‌سازی مناسب برای سخت‌کوشی و خلاقیت، نوآوری‌ها و احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری، انضباط اجتماعی و اخلاق در جامعه می‌تواند بستری مناسب برای باروری را فراهم آورد؛ ازاین‌رو، در فرهنگ اسلامی کار و تلاش مانند مجاهدت در راه خدا (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۸۸)، موجب عزت و بزرگی (حر عاملی، بی‌تا ج ۱۲، ص ۳۹) و بیکاری مورد غضب خدا (حر عاملی، بی‌تا ج ۱۲، ص ۳۹)، معرفی شده است. نکته مهم دیگر در این خصوص این است که گاه افراد به لحاظ فردی آمادگی برای کار و تلاش دارند اما زیرساخت‌های جامعه زمینه این امر فراهم نمی‌آورد؛ ازاین‌رو، بر دولت اسلامی لازم است برای زمینه‌سازی فرهنگ کار و تلاش با ایجاد اشتغال برای حل مسئله باروری همت گمارد؛ زیرا در جامعه ایرانی فشارهای اقتصادی بر زوج‌های تازه ازدواج کرده وارد می‌شود مبنی بر این‌که قبل از ازدواج دارای شغل و مسکن باشند.

مشکل بیکاری باعث بالا رفتن سن ازدواج می‌شود. طبیعی است که با بالا رفتن سن ازدواج، فرصت باروری نیز کمتر خواهد بود و در نتیجه، منجر به کاهش تعداد فرزندان خواهد شد؛ ازاین‌رو، تقویت فرهنگ کار و تلاش، می‌تواند که دولت برای کاهش سن ازدواج و افزایش باروری زمینه کار و تلاش را در جامعه به وجود آورد.

۲-۱۰. تعاون و تکافل اجتماعی

توانایی اقتصادی و سطح درآمد افراد در جامعه یکسان نیست؛ ازاین‌رو، ممکن است در جامعه شکاف طبقاتی ایجاد شده و جامعه به دودسته دارا و ندار تقسیم شوند. اسلام برای رفع آسیب‌های گوناگون احتمالی این گسست و برای کمک به پایایی و پویایی جامعه اسلامی از عناصر فرهنگی انسجام‌بخشی چون تعاون و تکافل اجتماعی بهره جسته است. منظور از تعاون اجتماعی یاری‌رساندن اعضای جامعه اسلامی به همدیگر و برطرف کردن نیازهای یکدیگر است. تکافل نیز بدین معناست که هر یک از اعضا جامعه اسلامی، به‌عنوان یک فرد و عنصر اجتماعی، در قبال نیازمندان و محرومین جامعه وظیفه و مسئولیتی داشته و با توجه به برنامه‌ها و رهنمودهای احکام اسلامی، اگر در مسیر زندگی خود با محرومان و دردمندان مواجه شدند در جهت رفع نیاز آن‌ها باید ایفای نقش کنند؛ بنابراین تکافل و تعاون اجتماعی را می‌توان از اساسی‌ترین اصول تأمین اجتماعی در اسلام دانست که در آن مسئولیت متقابل انسان‌ها نسبت به یکدیگر در فرایند تعامل، مطرح شده است. بر اساس این اصل، ثروتمندان وظیفه دارند که نیازهای اساسی نیازمندان را تأمین کنند (نوری کرمانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳). در قرآن به‌صورت مستقیم به مسلمان دستور داده که به ایفای نقش تعاون اجتماعی مبادرت کنند (مائده: ۲). روایات بسیاری نیز ضمن تأکید بر این نقش، فضیلت آن را از بسیاری از عبادات بیشتر شمرده است؛ به‌عنوان نمونه، در روایات، رفع گرفتاری و همدلی با مردم بهتر از عبادت تمام عمر (حر عاملی، بی‌تا ج ۱۱، ص ۵۷۸)، دانسته شده است. گسترش این ارزش مهم اجتماعی در جامعه اسلامی می‌تواند ضمن ایجاد روحیه کار جمعی و همبستگی اجتماعی، راه‌حل بسیاری از مشکلات اجتماعی باشد. تعاون اجتماعی در مسئله

افزایش باروری نیز نقش‌آفرین است؛ زیرا حمایت جامعه از افرادی که به لحاظ اقتصادی در سطوح پایین‌تر جامعه قرار دارند، می‌تواند فشار اقتصادی را از آن‌ها برداشته و به باروری تشویق کند.

شایان‌ذکر است که تکافل اجتماعی صرفاً دارای بعد فردی نیست، بلکه از حیث حاکمیتی نیز، حمایت دولت از اقشار ضعیف اجتماعی از طریق دادن یارانه و بیمه و افزایش بیشتر سایر خدمات اجتماعی، می‌تواند در تشویق آنان به باروری بیشتر کمک کند.

۱۱-۲. حسن ظن به وعده‌های الهی

ایمان و باور به وعده‌ها و سنت‌های الهی از جمله ارزش‌هایی است که در پویایی جامعه در عرصه‌های مختلف نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. در فرهنگ قرآن، خداوند در برابر ایمان‌بندگان همیشه دسته‌ای از پاداش‌های دنیوی و اخروی را به‌عنوان حق‌بندگان بر خود واجب کرده است؛ به‌عنوان نمونه، وعده‌های چون «یاری مؤمنان» (روم: ۴۷) و «نجات مؤمنان» (یونس: ۱۰۳) از جمله همین وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی است. از جمله مهم‌ترین وعده‌های دنیوی خداوند که در بحث از باروری به‌صورت مستقیم‌تری قابل طرح است، مسئله «وعده به بی‌نیازی در صورت ازدواج» (نور: ۳۲) و نیز «رزق دادن به فرزندان و والدین آنان» (اسراء: ۳۱) است. این دو در کنار وعده کلی الهی درباره بر عهده گرفتن رزق و روزی بندگان (هود: ۶)، از جمله سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی است که مؤمنان باید بدان تکیه کرده و با حسن ظن به آن‌ها رفتارهای خود را شکل دهند. اگر در جامعه اسلامی در خصوص رفتار باروری، ارزش حسن ظن به وعده‌های الهی در باور و عمل آحاد جامعه نهادینه شود، می‌تواند به افزایش باروری منجر شود. مشکل امروز جامعه ما این است که هرچند در سطح ذهنی و زبانی معتقد به رزاقیت الهی هستیم (توحید صفاتی) اما در مرحله عمل (توحید عملی) باورمند به این اعتقاد نیستیم.

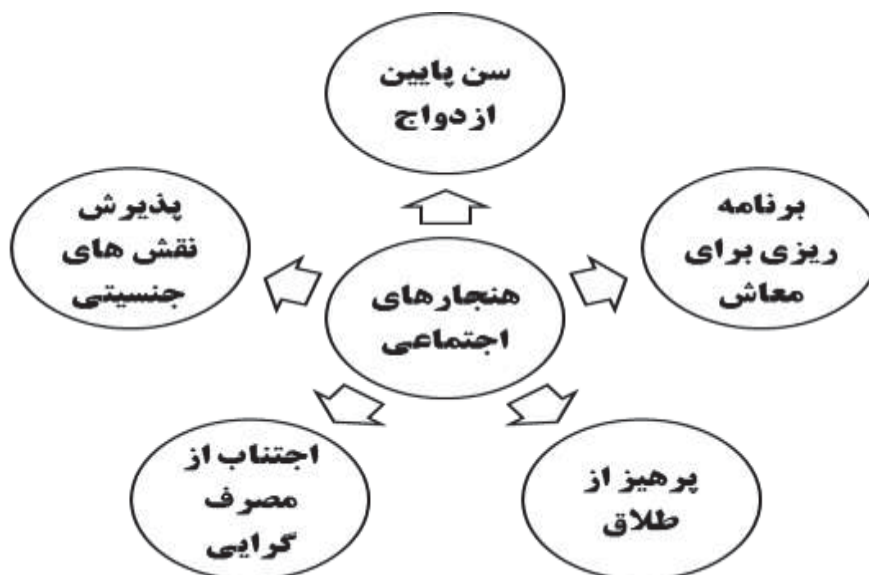
وظیفه دولت اسلامی این است که با ابزار متنوع فرهنگی و آموزشی که در دست دارد، این باور را در میان توده مردم اشاعه دهد. بدون شک، رواج این‌گونه اندیشه‌های معنوی نه‌تنها برطرف‌کننده مشکلات در عرصه باروری و جمعیت، بلکه در همه ساحت‌های دیگر نیز گره‌گشا خواهد بود که البته بر این نکته تأکید می‌کنیم که بین برنامه‌ریزی و مدیریت زندگی و اعتقاد رزاقیت الهی تنافی وجود ندارد؛ زیرا این فرایندها نیز بخشی از سنت‌های الهی است؛ زیرا به تعبیر قرآن «در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند» (رعد: ۱۱) اما باین‌همه اعتقاد به رزاقیت الهی و حسن ظن به خدا باید سرلوحه هرگونه عمل اجتماعی قرار گیرد.

۳. هنجارها

سومین مؤلفه الگوی افزایش باروری هنجارها هستند. هنجارها، معیارهای تثبیت شده آن چیزی هستند که جامعه از نظر فکری و رفتاری از اعضایش انتظار دارد. این چشم‌داشت‌ها و رفتارهای ناشی از آن‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است (کونن، ۱۳۷۵، ص ۳۸). هنجارها ریشه در عقاید، باورها و ارزش‌های جامعه داشته و تمام ابعاد

زندگی اجتماعی را فراگرفته و در رفتار انسان‌ها تجلی می‌یابند. در واقع، هنجارهای اجتماعی، انعکاس و بازتابی از ارزش‌های اجتماعی هستند.

در الگوی افزایش باروری نیز هنجارها با تأثیری‌پذیری از باورها و ارزش‌های پیش‌گفته بر رفتار باروری تأثیری می‌گذارند. بدین معنا که وقتی ارزش‌های دخیل در الگو در ذهن و زمینه زندگی تک‌تک جامعه نهادینه شوند، هنجارهایی متناسب با خود را تولید کرده که معیار عمل افراد قرار می‌گیرند. با گسترش این هنجارها رفتار باروری افزایش یافته و الگو تحقق عینی می‌یابد. در ادامه ضمن ترسیم شبکه هنجاری متناسب با افزایش باروری به توضیح برخی از مهم‌ترین هنجارهای می‌پردازیم.



طرح ۳. هنجارهای متناسب با افزایش باروری

۳-۱. ازدواج به هنگام

افزایش سن ازدواج یکی از دلایل عمده کاهش باروری است؛ از این رو، وقتی جامعه اسلامی بهره‌مند از باور ناب توحیدی شده و به سنت‌های الهی تکیه کند و با اعتقاد به منبع معرفتی وحی و روایات معصومین (علیهم‌السلام) به ارزش‌های دینی چون ازدواج، زادآوری معتقد شود؛ جهت‌گیری‌های رفتاری او متناسب با همان ارزش‌ها شکل خواهد گرفت.

از آنجاکه در ارزش‌های دینی ازدواج پیوندی آسمانی با کارکردهای مادی و معنوی بسیاری معرفی و توصیه شده است که در سنین آغازین بلوغ صورت پذیرد، فرد مؤمن انگیزه می‌یابد تا با تکیه بر سنت‌ها و وعده‌های صدق الهی،

این امر مقدس را در سنین پایین به انجام رساند. بدون شک، کاهش سن ازدواج بازه زمانی باروری را گسترده‌تر کرده و زمینه باروری بیشتر را فراهم می‌آورد.

۲-۳. برنامه‌ریزی برای معاش

یکی از علل مهمی که برای کاهش باروری بیان می‌شود، سنگینی بار زندگی و بالا بودن هزینه‌های فرزندان است. بدون شک، وجود هر فرزند، به معنای اضافه شدن مصرف‌کننده‌ای جدید برای خانواده و افزایش هزینه‌های زندگی است؛ اما نکته‌ای که گاه از آن غفلت می‌شود این است که آنچه بیش از هر چیز دیگر هزینه‌های زندگی را افزایش می‌دهد، نه فرزند آوری که عدم مدیریت اقتصاد خانواده و فقدان برنامه‌ریزی برای معاش آن است. این در حالی است که یکی از تمایزات نظام اقتصادی اسلام از سایر نظام‌های اقتصادی، وجود یک نظام ارزشی است که مصرف متناسب و استفاده بهینه از منابع را مشخص می‌کنند. این امر در نظام اقتصادی اسلام به صورت کنترل مصرف و جلوگیری از هدر شدن امکانات در قالب دستورات صریح برای اجتناب از اسراف فردی و جمعی عنوان شده است. اسراف فردی به معنای عدم رعایت حالت اعتدال و کفاف در زندگی شخصی و بی‌قاعدگی اقتصاد فردی است. این مسئله افزون بر نتایج اخلاقی که بر آن مترتب است نتایج اقتصادی آن در ارتباط با نیاز جمعیت از جهت‌های مختلف دارای اهمیت است (سیدمیرزایی، ۱۳۷۷، ص ۸۴-۸۵). در روایات قوام زندگی وابسته به برنامه‌ریزی درست و ملاک آن تدبیر کارشناسانه معرفی شده است (آمدی، بی‌تا: ص ۲۳۶). هم‌چنین کارکرد برنامه‌ریزی درست را افزایش مال اندک و کارکرد بی‌تدبیری را نابودی مال زیاد معرفی کرده‌اند (آمدی، بی‌تا: ص ۱۶۷). از فقر (آمدی، بی‌تا: ص ۱۹۱) و ویرانی (آمدی، بی‌تا: ص ۱۹۰) نیز به‌عنوان آسیب‌های دیگر بی‌تدبیری در زندگی یاد شده است. تدبیر در لغت به توجه به سرانجام کار و عاقبت‌اندیشی معنا شده است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۵۵). بر این اساس، خانواده با تکیه بر باورها و ارزش‌های دینی که مالکیت را از آن خدا و حق تصرف در پدیده‌ها را فقط مشروط به اذن الهی می‌داند، با آینده‌نگری امور مالی و اقتصادی خود را تنظیم کرده و با هنجار تدبیر معیشت کمتر دچار آسیب می‌شود. بدون شک، با بی‌تدبیری یا ضعف تدبیر در اقتصاد خانواده، یک فرزند به جهت افزایش هزینه زندگی، می‌تواند به‌عنوان مانع رفاه و آسایش نگریده شود. بی‌تدبیری و ضعف آن همان‌گونه که در سطح فردی، خانواده را با مشکل اقتصادی مواجه می‌کند و از این رو ناگزیر می‌شوند برای کاهش هزینه‌های زندگی، باروری کاهش دهند، در سطح جمعی نیز امکان وقوع بی‌تدبیری و ضعف آن وجود دارد. بعد جمعی فقدان تدبیر آن است که مقامات مسئول و تصمیم‌گیر جامعه در نتیجه عدم شناخت دقیق از اولویت‌های مهم و احساس بی‌نیازی یا کم‌توجهی به ضرورت شناخت شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و بالاخره فقدان یا ضعف آینده‌نگری و بی‌توجهی به لزوم اعمال مدیریت علمی در شئون مختلف حیات اجتماعی، موقعیت‌ها را از دست بدهند و از امکانات اقتصادی بالفعل و بالقوه برای تأمین نیازهای آینده استفاده منطقی نکنند (سیدمیرزایی، ۱۳۷۷، ص ۸۵). این مسئله نیز بستر مناسبی

برای افزایش هزینه‌های اقتصادی جامعه است که افراد را وای دارد برای کاهش فشار اقتصادی، به کاهش باروری روی آورند.

۳-۳. اجتناب از مصرف‌گرایی

افزون بر بی‌تدبیری، مصرف‌گرایی نیز از علل اصلی تأثیرگذار بر رفتار باروری است. فرق این دو در این است که شخصی که تدبیر اقتصادی ندارد ممکن است لزوماً مصرف‌گرا نباشد، بلکه بی‌سامانی اقتصادی زمینه‌ساز احساس نیازمندی و افزایش هزینه‌های زندگی برای او شده است. این در حالی است که گرایش به فرهنگ مصرف، گاه آگاهانه و همراه با نوعی سامان بخشی به اقتصاد شخصی است. شخصی که گرفتار مصرف‌گرایی شده است آن را بخشی از نیازهای خود دانسته و برای آن برنامه دارد، اما به‌رحال چیزی بیش از حد کفاف اوست؛ اما مسلمانی که برای زندگی هدفی روشن قائل است، خود را ملزم به رسیدن به آن هدف می‌داند. او معتقد است برای کمال آفریده شده و کمال او از مسیر دنیا می‌گذرد و برای پیمودن آن به بدن نیاز دارد. حفظ بدن مستلزم خوردن و آشامیدن، پوشش و سکنی... است؛ از این رو، در نظر او هر چیزی که انسان مصرف می‌کند باید وسیله‌ای برای رسیدن به کمال باشد. بر این اساس، اولاً؛ با هدف مصرف می‌کند و ثانیاً به‌قدر کفاف از منابع استفاده می‌کند و در پی تنوع و تلذذ نمی‌رود (جباران، ۱۳۹۲، ص ۸۸). چنین کسی کمتر گرفتار فشارهای اقتصادی می‌گردد. بخش زیادی از هزینه‌های زندگی مربوط به مصرف‌گرایی فزاینده‌ای که از عناصر فرهنگ غربی است. غرب درصد است با تولیدات متنوع بر مصرف‌گرایی بی‌اندازه تأکید کند. گسترش مصرف‌گرایی زمینه‌ساز انواع لغزش‌ها و فخرفروشی‌ها و تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها است. جامعه مصرف‌گرا، برای تأمین کالاهای لوکس و مصرفی خود، هیچ مزاحمی را بر نمی‌تابد. با همین نگرش است که می‌کوشد تا باروری را کاهش دهد.

۳-۴. پذیرش نقش‌های جنسیتی

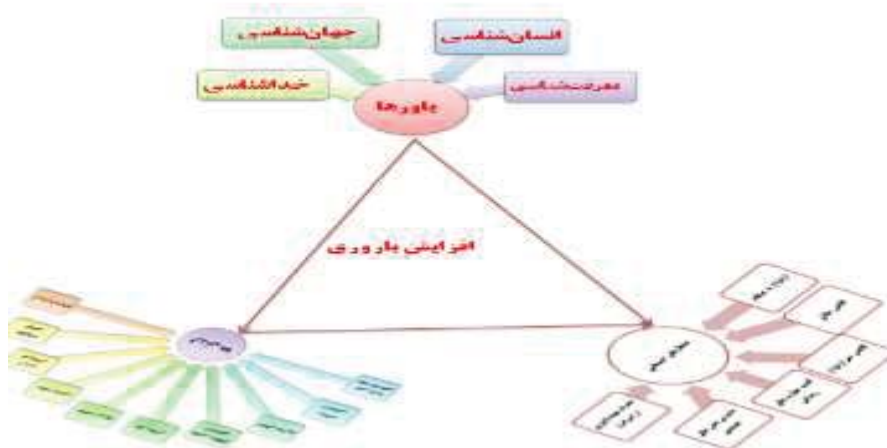
بخشی از علل کاهش باروری به عدم پذیرش نقش‌های جنسیتی از سوی زنان، قابل ارجاع است. منظور از نقش جنسیتی «انتظارات غالب در یک جامعه در مورد فعالیت‌ها و رفتارهایی است که مردان و زنان می‌توانند یا نمی‌توانند در آن‌ها درگیر شوند» (Kammeyer, K.C.W, et. Al(1989), sociology, P. 325) در اندیشه دینی مادری و کارخانگی به جهت ویژگی‌های خاص جسمی و روانی به‌صورت ترجیحی بر عهده زنان و در مقابل کارهایی خارج از خانه بر عهده مردان گذاشته شده است. با گسترش فرایند نوسازی این نظم کمرنگ‌تر شده و زنان به جهت دست‌یابی به فرصت‌های تحصیلی و اشتغال، به معرفی هویت جدید خود پرداختند. یکی از کارکردهای عمده این نگرش جدید تحقیر کارخانگی و مادری و در پی آن کاهش باروری به‌عنوان مانع جدی دست‌یابی به خواسته‌های فردی بود. این در حالی است که بر اساس الگوی افزایش باروری، زنان مؤمن بر اساس باور به مبانی نظری اسلام و پذیرش ارزش‌های مبتنی بر آن همچون ارج نهادن به ارزش مادری و کار خانگی و تقویت انگیزه خود از طریق کسب پاداش‌های معنوی در خصوص مشکلات باروری و مادری، رفتار باروری خود را جهت کسب

اشتغال، کاهش نمی‌دهند. از نظر آن‌ها نه تنها ارزش خانه‌داری و مادری، کمتر از اشتغال نیست، بلکه از آن جهت که تلاش در مسیر تربیت و پرورش انسان کامل است، ارزشی برین دارد.

۳-۵. پرهیز از طلاق

طلاق یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌واسطه کاهش باروری است؛ زیرا جدایی زن و مرد به معنای عدم ارتباط جنسی است. فقدان رفتار جنسی به معنای کاهش احتمال باروری است. پدیده طلاق به دو گونه قانونی و عاطفی می‌تواند رفتار باروری را تحت تأثیر قرار دهد. بر اساس الگوی افزایش باروری اما مردان و زنان مؤمن که بر اساس بارورهای بنیادین اسلام و ارزش‌های آن، جامعه‌پذیر شده‌اند، با حذف عوامل آسیب‌زا از زندگی خانوادگی، به تقویت استحکام خانواده می‌پردازند. کاهش طلاق روند کاهش باروری را متوقف کرده و زمینه برای افزایش باروری را فراهم می‌آورد.

عوامل اساسی طلاق به اموری چون تغییر نگرش به ازدواج، تغییر نقش‌های جنسیتی، استقلال‌طلبی زنان، آزادی روابط جنسی خارج از خانواده... ارتباط دارد؛ از این رو، گسترش ارزش‌های دینی در خصوص روابط خانوادگی می‌تواند عوامل و بسترهای طلاق را کاهش داده و از این طریق بر رفتار باروری تأثیر گذارد.



راهبردها و راهکارها

سومین مرحله در تدوین الگو تعیین مسیر حرکت است که حاوی انتخاب راهبردها و سازوکارهای عملی دستیابی به اهداف الگو است. از آنجاکه راهبردها متضمن عناصر هنجاری هستند، آموزه‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در تنظیم و انتخاب آن‌ها نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند. در ادامه مهم‌ترین راهبردهای فرهنگی برای تحقق الگوی افزایش باروری و نیز راهکارهای آن‌ها توضیح داده می‌شوند:

۱. نظارت بر عملکرد رسانه‌ها

یکی از تأثیرگذارترین عوامل جامعه‌پذیری، رسانه‌های جمعی است. در کشور ما سنگینی بار این نقش بر عهده رسانه ملی است. رسانه‌ها از طریق بازنمایی پدیده‌ها بر نگرش مخاطبین تأثیر گذاشته و ذهنیت آنان را در مورد یک موضوع خاص شکل می‌دهند؛ از این رو، رسانه می‌تواند نگرشی منفی و یا مثبت از یک پدیده را در افکار عمومی ایجاد کند. در دو دهه اخیر بازنمایی باروری و جمعیت در رسانه ملی سازگار با کاهش باروری بوده است. به تصویر کشاندن خانواده‌های پر فرزند به‌عنوان خانواده گرفتار و در مقابل خانواده‌های فرهیخته را در قالب کوچک نشان دادن، از این دست بازنمایی‌ها بود؛ از این رو، برای تحقق الگوی افزایش باید رویکرد رسانه ملی در بازنمایی باروری مورد بازنگری قرار گیرد.

۲. نظارت بر مراکز آموزشی

بخش رسمی نظام آموزش و پرورش بر عهده نظام‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی است. این مراکز علاوه بر انتقال دانش‌های متنوع به علم‌آموزان، برخی محتوای درسی آن‌ها جنبه پرورشی داشته و راه و رسم زندگی را به آنان یاد می‌دهند. بخشی از کارویژه این محتوای درسی، بازنمایی پدیده‌ها به‌گونه‌ای سازگار با گفتمان غالب است. در دو دهه گذشته که گفتمان کم‌فرزند آوری در فضای فرهنگی جامعه ما چیرگی داشت، محتوای این‌گونه دروس نیز هم‌آهنگ با کاهش باروری بود. مصداق آن را می‌توان در درس تنظیم خانواده به‌خوبی مشاهده کرد؛ از این رو، در الگوی افزایش باروری باید محتوای آموزشی بازنگری شده و با گفتمان افزایش باروری هم‌آهنگ شود.

۳. اصلاح نظام اشتغال زنان

امروزه گرایش زنان به اشتغال خارج از خانه رو به افزایش بوده و به‌عنوان مطالبه‌ای جنسیتی از سوی نهادهای حامی زنان با جدیت دنبال می‌شود. این امر متأثر از عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی زیادی است که در جای خود باید مورد بررسی قرار گیرد؛ اما آنچه در الگوی افزایش باروری اهمیت دارد، سازوار کردن این خواست با نقش‌های خانوادگی زنان است. بدون شک، در نظر نگرفتن شرایط جنسیتی اشتغال، زمینه کاهش باروری را فراهم می‌آورد؛ زیرا هم سن ازدواج را افزایش داده و هم باروری را به تأخیر می‌اندازد.

۴. تقویت ارزش ازدواج و فرزندان

تا ازدواج صورت نگیرد باروری مشروع نیز اتفاق نمی‌افتد؛ از این رو، یکی از راهبردهای مهم در الگوی افزایش باروری، تقویت انگیزه‌های ازدواج است. در ایران هرچند عمومیت ازدواج در حد قابل‌قبولی است، اما افزایش سن ازدواج و تأخیر آن سبب کاهش باروری شده است. ایجاد انگیزه برای جوانان در سن ازدواج و تسهیل آن می‌تواند با

کاهش سن ازدواج زمینه افزایش باروری را مهیا کند. از سوی دیگر در الگوی افزایش باروری باید تلاش شود تا با شیوه‌های متنوع، ارزش فرزندان برای خانواده تقویت شود.

۵. اصلاح نگرش‌ها نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری

مردم و برخی از مسئولان در هنگام بحث از جمعیت بین میزان مطلق جمعیت و بین مسئله باروری تفکیک قائل نمی‌شوند. تصور بخش زیادی از توده مردم و حتی سطوح نخبگانی این است که جمعیت کشور که کاهش نیافته، بلکه سالانه بیش از یک میلیون نفر به جمعیت اضافه می‌شود؛ از این رو، نیازی به افزایش باروری نمی‌بینند. این در حالی است که کاهش باروری - هرچند ممکن است با افزایش مطلق جمعیت همراه باشد، اما مسئله‌ای مستقل با پیامدهای چالش‌برانگیز برای آینده جمعیت است. پیری تدریجی جمعیت و برهم خوردن ساختار سنی و جنسی جمعیت را می‌توان اساسی‌ترین چالش‌های کاهش باروری دانست که به دنبال خود چالش‌های امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی، تربیتی بسیاری را به دنبال خواهند داشت.

۶. تقویت دین‌داری مردم

بی‌گمان، دین و آموزه‌های آن به‌عنوان عنصر مهم هویت‌بخش جوامع دینی در تحولات باروری نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. بر اساس آیات و روایات یکی از راهبردهای اساسی برای رفع فقر و حرکت به سمت نقطه مطلوب (پیشرفت) حکومت، تقوای الهی و بارور کردن ایمان و باور به آموزه‌های اسلامی در جامعه است. در آیات متعددی (طلاق: ۲-۳؛ اعراف: ۹۶) به این راهبرد در سطح زندگی فردی و اجتماعی تصریح کرده است؛ از این رو، بر اساس الگوی افزایش باروری لازم است با نگاه راهبردی نسبت به موضوع افزایش سطح تقیدات دینی در بین مردم برنامه‌ریزی شود. افزایش سطح دین‌داری جامعه نه تنها بر تحولات باروری تأثیر مثبت دارد، بلکه تأثیرات آن بر همه عرصه‌های زندگی مثبت خواهند بود؛ از این رو، هر هزینه‌ای در این مسیر نه تنها ضرری را متوجه جامعه نمی‌کند، بلکه هزینه‌های مبارزه با آسیب‌ها را نیز از دوش جامعه برمی‌دارد.

۷. کاهش طلاق‌های قانونی و عاطفی

یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش باروری، بروز پدیده طلاق‌های قانونی و عاطفی در خانواده است؛ از این رو، در تدوین راهبردهای افزایش باروری لازم است رویکردی ویژه نسبت به کاهش طلاق در خانواده ایرانی داشت

۸. تغییر نگرش زنان و دختران به زیبایی و بدن

توجه به بدن و معیارهای نوین زیبایی از مؤلفه‌های هویتی زنان در جهان مدرن است؛ از این رو، هر آنچه زیبایی، فرم و فریبایی اندامشان را به خطر اندازد، اجتناب می‌کنند. از جمله اموری که منافی زیبایی تصور می‌شود، باروری و

ایفای نقش مادری است. بر این اساس، در الگو افزایش باروری باید نگرش زنان و دختران به زیبایی و بدن به‌گونه‌ای دگرگون شود که آن را منافی با باروری ندانند

نتیجه‌گیری

در این پژوهش بر این موضوع تأکید شد که برای گذر از وضعیت آسیب‌زای کنونی در حوزه جمعیت باید نگاهی فرهنگی داشت. همان‌گونه که دگرگونی فرهنگی متأثر از نوسازی عامل کاهش باروری شد، در مقابله با آن نیز باید از الگویی فرهنگی استفاده کرد؛ از این‌رو، تلاش شد تا بر اساس مبانی دینی، الگویی فرهنگی برای افزایش باروری اراده شود. این الگو با تأکید بر تقویت باورها، ارزش‌ها و هنجارها به‌عنوان سه لایه فرهنگ، رفتار باروری را متأثر می‌سازد؛ اما با این‌همه این الگو وقتی می‌تواند به یک عینیت اجتماعی تبدیل شود که از سوی ساخت‌های پشتیبان مورد حمایت قرار گیرد. همه خرده نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و سیاسی باید تمام ظرفیت خود را در راستای عینیت‌بخشی و عملیاتی کردن به این الگو قرار دهند. در غیر این صورت، این الگو هیچ‌گاه فرصت بروز در عرصه عمل را نخواهد داشت.

منابع

- قرآن کریم.
- اکبری، محمد اسماعیل، (مشاور عالی وزیر بهداشت)، «*نرخ رشد جمعیت ایران در حال رسیدن به صفر*» (مصاحبه)، خبرگزاری تسنیم، <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/02/28/2505287/>
- آربلاستر، آنتونی، (۱۳۸۸)، *ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، (بی‌تا)، *غررالحکم و درر الکلم*، بیروت: دارالثقافه العامه.
- جباران، محمدرضا، (۱۳۹۲)، «*ارزش‌های حاکم بر مصرف در اخلاق اسلامی*»، در: اصلاح الگوی مصرف از منظر اخلاقی، علیرضا موفق، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ ق)، *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه*، ج ۲، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، (بی‌تا)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۱۲، تحقیق و تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی (۲۰ جلدی)، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حسینی، حاتم و محمد جلال عباسی شوازی، «*تغییرات اندیشه‌ای و تأثیری آن بر رفتار و ایدئال‌های باروری زنان کرد و ترک*»، پژوهش زنان، دوره هفتم، شماره ۲.

- دوران، دانیل، (۱۳۷۶)، *نظریه سیستم‌ها*، ترجمه محمد یمینی، چ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۹)، *آنانومی جامعه*، چ ششم، تهران: شرکت سهامی خاص.
- زیبایی نژاد، محمدرضا، (۱۳۹۳)، *تحلیلی بر مهم‌ترین مسائل زن و خانواده در ایران*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- سید میرزایی، سید محمد، (۱۳۷۷)، «*انتقال جمعیتی؛ علل و نتایج اقتصادی و اجتماعی آن*»، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۲.
- صداقتی فرد، مجتبی، (۱۳۹۱)، *جامعه‌شناسی: کلیات، مفاهیم، پیشینه*، تهران: ارسباران.
- قرانتی، محسن، (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، ج ۴، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاپلستون، فردریک چارلز، (۱۳۸۷)، *تاریخ فلسفه: فیلسوفان انگلیسی از هابز تا هیوم*، ج ۵، ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم، تهران: سروش.
- _____، (۱۳۸۸)، *تاریخ فلسفه: از بنتام تا راسل*، ج ۸، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ پنجم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۷)، *الکافی (اصول)*، ج ۵، باهتمام: محمدحسین الدرایتی، قم: دارالحدیث.
- کونن، بروس، (۱۳۷۵)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن صبوری، تهران: توتیا.
- گروهی از نویسندگان؛ زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی، (۱۳۹۰)، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: مدرسه.
- لاور، رابرت. اچ، (۱۳۷۳)، *دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی*، ترجمه کاووس سید امامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- لیبی، محمد مهدی، (۱۳۹۲)، «*نگرشی نوین به تحول ارزش‌های خانوادگی در ایران*»، نامه علوم اجتماعی، ش ۶۴، ص ۳۲-۳۷.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، *بحارالانوار*، ج ۷۷، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۱)، *گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰*، مرکز آمار ایران تهران.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۶۸)، *آموزش فلسفه*، ج ۱، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

- _____، (۱۳۷۴)، *دروس فلسفه اخلاق*، چ پنجم، تهران: اطلاعات.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، *مجموعه آثار*، ج ۲، شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید آیت الله مطهری، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۸۱)، *تفسیر نمونه*، ج ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میرمعزی، سید حسین، (۱۳۹۰)، «*الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی سازی علوم انسانی*»، در: «*الگوی اسلامی ایرانی*»، ج ۱، تهران: پیام عدالت.
- نراقی، محمد مهدی، (بی تا)، *جامع السعادات*، تصحیح سید محمد کلانتر، چ ۳، قم: المكتبة الداوری.
- نوری کرمانی، محمد امیر، (تیرماه ۱۳۸۲)، «*قرآن و طرح نظام تأمین اجتماعی*»، گلستان قرآن، دوره شانزدهم، ش ۱۵۳.
- Abbasi – Shavazi, Mohammad Jalal and Peter Mc donald, And Meimanat Hosseini-Chavoshi, "The Fertility Transition In Iran: Revolution And Reproduction", *Canadian Studies In Population* 38, No. 1-2, 2011, pp. 203-5
- Kammeyer, K.C.W, et. Al(19989), *sociology*, Boston and London: Allyn and Bacom